

حریم اجتماعی و فرهنگی شهر تهران؛ فقدان عدالت اجتماعی و نابرابری فضایی

سیدابوالحسن ریاضی^۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۱۵ تاریخ تایید: ۹۵/۶/۲۰

چکیده

اگر چه کلانشهر برای مدیران و برنامه‌ریزان مرزهای مشخص اداری دارد، اما آن چنانکه حوزه نفوذ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کلانشهر فراتر از مرزهای اعتباری آن است، تأثیرات متقابل پیرامون و به عبارتی نزدیکترین حوزه یعنی حریم آن نیز همواره وجود داشته است. بنابراین از زمان شکل‌گیری کلانشهرها، موضوع حاشیه‌ها و به عبارتی حریم شهرها به واسطه مهاجرت از روستاها یا شهرهای کوچکتر معضل سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان، دولت‌ها، مدیران شهری و شهروندان کلانشهرها بوده است. شکل‌گیری مسکن‌های غیررسمی، تراکم جمعیت فاقد امکانات مختلف آموزشی، بهداشتی و رفاهی در پیرامون متروپل‌ها از سوی جامعه‌شناسان همواره به عنوان مرکز تجمع انواع آسیب‌های اجتماعی و برای جغرافی‌دانان تحت عنوان عدم توازن فضایی موضوع نظریه‌پردازی و مبنای برنامه‌ریزی قرار داشته است. تهران نیز به عنوان کلانشهر اصلی کشور از دهه ۴۰ با مسئله حاشیه‌نشینی و رشد مسکن غیررسمی در پیرامون و تبدیل روستاهای اطراف به شهر یا رشد جمعیت شهرهای حاشیه خود روبه‌رو شده که این مسئله با سرعت سرسام‌آور تا به امروز ادامه داشته است. فشردگی آسیب‌های متنوع اجتماعی نظیر روسپیگری، کودکان کار و خیابان، توزیع مواد مخدر، رشد اعتیاد، فقر و عدم دسترسی به مسکن مناسب در حاشیه‌های تهران، این کلانشهر را با احتمال بروز بحران‌های اجتماعی روبه‌رو می‌سازد. حجم، عمق و گستره مشکلات در حاشیه‌های تهران و بی‌توجهی به حل مشکلات انباشته در حریم این کلانشهر به تدریج به معضلی لاینحل تبدیل شده است. لذا نادیده گرفتن احساس عدم امنیت ساکنان پایتخت، تغییرات نگرشی و ارزشی ساکنان مناطق و شکل‌گیری موزائیک فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در شهر برخلاف نظام منطقه‌بندی و فشردگی و نیز وسعت نابرابری‌های فضایی در حاشیه هر روز ناممکن‌تر می‌شود. در چنین شرایطی فقدان احساس مسئولیت یا خارج ساختن موضوع حریم از حیطه قانونی بی‌تردید راه‌حل مسئله این کلانشهر نخواهد بود. بدون رویکرد انتقادی نسبت به مسائل مبتلا به و اتخاذ جهت‌گیری‌های عدالت‌خواهانه در برابر گروه‌های ساکن در حریم تهران و نیز بدون به رسمیت شناختن حقوق شهروندان متقابل ساکن متن و حاشیه این کلانشهر، دستیابی به عدالت فضایی میسر نخواهد بود. این مهم نیازمند تصمیم‌گیری‌های بزرگ و البته دشوار است. پذیرش مدیریت یکپارچه شهری و واگذاری تمامی اختیارات و امکانات دولت به این مدیریت و نیز جلب مشارکت مردم و نهادهای مدنی راه‌حلی است که سال‌هاست بدان تأکید می‌شود. با این همه یادآوری این اصول ضروری است که: روابط اجتماعی کلانشهر و حوزه نفوذ آن، کل یکپارچه و به هم پیوسته‌ای است که بدون عدالت اجتماعی و نگرش مردم‌مدار در مواجهه با شکاف‌های طبقاتی و بی‌عدالتی‌های فضایی، به رویارویی در عرصه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی منتهی خواهد شد.

واژگان کلیدی: تهران، نابرابری فضایی، حریم اجتماعی، چالش سیاسی.

مقدمه

موضوع شهرها و حریم آنها از پرمناقشه‌ترین مباحث مدیریت و برنامه‌ریزی شهری در نزدیک به یک قرن اخیر بوده است. مدیران شهری برای سهولت برنامه‌ریزی و اداره شهر، مرزهای دقیق و روشنی را برای شهر ترسیم و کلیه خدمات، زیرساخت‌ها، امکانات و دسترسی‌های بهداشتی، درمانی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و ... را برای همان محدوده تعریف و ارائه می‌کنند. این مسئله عوارض بی‌شماری به همراه داشته است. این مقاله با هدف ترسیم این معضلات تدوین گردیده اما قبل از ورود به موضوع اصلی تعریف فقهی و حقوقی حریم تا حدود زیادی برای ورود به ابعاد اجتماعی و جغرافیایی حریم شهر راهگشا خواهد بود.

معنا و مبنای حریم

معنای لغوی: (حرمت)، (تحریم)، (حرام)، (احرام) و (حریم) از یک ریشه‌اند و قرابت معنایی دارند. همگی از ماده (حرم) مشتق شده‌اند. با این حال، در لغت، چندین معنی برای واژه حریم برشمرده‌اند. (حریم) از (حرمت) به معنای (منع) آمده است. جوهری می‌گوید: «حرمت آن چیزی است که هتک آن جایز نیست.» ابن‌منظور نیز این معنی را تأکید می‌کند و می‌نویسد: «حریم را به این دلیل حریم نامیده‌اند که منع صاحبش از تصرف در آن یا تصرف دیگران در آن (بدون اجازه مالک) حرام است.» و بستانی هم می‌گوید: «حریم در لغت به هر چیزی که مستلزم حمایت باشد گفته می‌شود» (شفای، ۱۳۸۳: ۱۳۹).

صرفنظر از معنای لغوی، از نظر حقوقدانان حریم «آن مقدار از مساحت‌های مجاور است که برای دوام و بقاء رقبه احیاء شده در اراضی موات، عرفاً و عادتاً ضروری است» (مدنیان، ۱۳۹۱). بسیاری از فقیهان معاصر، مبنای اصلی حریم در تمام مصادیق و موضوعات آن را ضرر می‌دانند و معتقدند اندازه‌های تعیین‌شده در زمان صدور روایت از مالک و صاحب حق حریم دفع ضرر کرده است. لذا با تغییر زمان و مکان و پیشرفت علم و ابزار و صنعت، شاید اندازه‌های تعیین‌شده برای دفع ضرر بسنده نباشد. بنابراین، بهتر است موضوع‌شناسی و تعیین مصادیق حریم را به کارشناسان واگذارند و خود تنها احکام وضعی و تکلیفی حریم را بر مبنای قاعده نفی ضرر صادر کنند (شفای، ۱۳۸۳: ۴۱).

از مجموع گزاره‌های فوق استنباط می‌شود؛

نخست، «معنای و مصادیق حریم بر قاعده لاضرر و لاضرار و به عبارتی اصل ضرر نرساندن و ضرر ندیدن استوار است که این قاعده از مشهورترین و کاربردی‌ترین اصول در شهرسازی و مدیریت شهری در اسلام به شمار می‌آید» (عثمان، ۱۳۷۶: ۲۵).

و دوم، دیدگاه کارشناسی و تخصصی صاحبان دانش مختلف مصادیق و اندازه و حدود آن را روشن می‌کند. از این روست که در مباحث حقوقی حریم رودخانه، جاده، راه‌آهن و ... مبتنی بر نظر کارشناسی است و به این ترتیب، در فقه هیچیک از این مصادیق در گذشته دیده نشده است. بر این اساس، حریم شهر نیز تنها بر قواعد اداری یا زیست محیطی محدود نبوده و علاوه بر حریم فرهنگی و اجتماعی، می‌توان حریم اقتصادی و یا سیاسی یا موارد دیگری را از دیدگاه کارشناسی و منطبق بر نظرات حرفه‌ای و تخصصی مطرح و احصا کرد. با این مقدمه کوتاه از منظر حقوقی و فقهی، وارد مسئله حریم کلانشهرها می‌شویم.

حریم شهرها

حاشیه‌های شهری به دلیل اینکه منشا بروز مشکلات و مسائل مستمر و پر دامنه بوده‌اند، همواره مورد توجه صاحب‌نظران حوزه‌های تخصصی قرار گرفته‌اند. ریشه آن را می‌توان به زمان صنعتی شدن و توجه به زندگی حاشیه‌نشینان منچستر و امروز به عنوان انگیزه اصلی حل مشکل و جلوگیری از بروز بحران‌های شهری دانست. این مسئله که بیشتر با شکل‌گیری مسکن غیررسمی در حاشیه شهرها وارد ادبیات برنامه‌ریزی شهری جهان شده در ایران نیز با شروع روند شهرنشینی شتابان از دهه ۴۰ قابل مشاهده است و نوع برخورد با آن نیز از همان قواعد تبعیت کرده است.

بدهی‌ترین و اساسی‌ترین حقوق شهری در فضای سیاسی تأمین سرپناه، فراهم‌سازی امکانات بهداشتی، آموزش و پرورش و امنیت غذایی است. سطح بالاتر حقوق شهری، در توسعه شهر، حمل و نقل و شرایط زیست محیطی است. از این رو چالش بر سر منابع، فضاهای عمومی و مواردی که موجب انسجام اجتماعی و اقتصادی می‌شود، چالشی است برای حفظ شخصیت، ساختار اجتماعی و جوامع شهری. بنابراین، مبارزه بر سر عدالت اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی و نیز حق زندگی استاندارد از نظر امنیت شغلی، محل زندگی و کار و سواد توأم با عزت از اساسی‌ترین حقوق شهری است. اما آنچه در خطر است حق تولید فضای توأم با عدالت است. فضای غیرعادلانه به اشکال مختلف و به طور آشکار به دو شکل باز تولید می‌شوند. اول؛ بی‌عدالتی فضا، به این معنا که روابط اجتماعی و اقتصادی در کار تولید و حفظ بی‌عدالتی هستند و دوم؛ تولید بی‌عدالتی از طریق ویژگی‌های فضایی بازار، سیاست‌های مسکن و امثالهم (راتلج، ۲۰۱۶: ۶۳)

بی‌تردید یکی از مهمترین محصولات تولید بی‌عدالتی در فضاهای شهری فقر است. اما باید توجه داشت که در این صورتبندی فضایی با دو مفهوم فقر نسبی برای طبقه متوسط و فقر مزمین برای حاشیه‌نشینان روبه‌رو هستیم، که آثار و عوارض آن در شهر با یکدیگر متفاوت است.

در شرایطی که گروه‌های فقیر در روابط و ساختار اجتماعی که فقر نهادینه شده باشند با فقر مزمن روبه‌رو هستیم. بنابراین فقر مزمن به معنای فقدان ثروت نیست بلکه رابطه‌ای اجتماعی و سیاسی است که بدون درک آن، فهم اشکال مختلف بسیج اجتماعی، سازه‌های اجتماعی، جنبش‌های اجتماعی و در نهایت، یورش به ساختارهای اجتماعی ممکن نخواهد شد. به دیگر سخن، فقر مزمن محصول جانبی پیچیده شدن محرومیت و طرد اجتماعی است. از این‌رو، خیزش جنبش‌های اجتماعی و قدرت بالفعل یا تهدید بالقوه آن ریشه در فقر مزمن دارد (ببینگتون، ۲۰۰۷) نتیجه بی‌عدالتی فضایی در کلانشهرها، اغلب در قالب مسکن غیررسمی، حاشیه‌های پر مسئله، تراکم آسیب‌های اجتماعی در مناطق فقیرنشین یا شهرهای حاشیه کلانشهرها رخ می‌نماید. متأسفانه «از آغاز پیدایش اجتماعات اسکان غیررسمی نگاه دستگاه‌های دولتی و جامعه، به این قبیل سکونتگاه‌ها فوق‌العاده منفی بوده و همگان آنها را معضل شهری تلقی می‌کردند» (پیران، ۱۳۹۰). نگرشی که در بسیاری از کشورها و به طور طبیعی در کلانشهرها با عوارض سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پرهزینه‌ای همراه بوده است. مطالعات درباره آنچه به بهار عربی موسوم شد، بیانگر نقش نابرابری اجتماعی و بی‌عدالتی در تحریک و ایجاد خشونت سیاسی است. در کشورهای عرب خاورمیانه در سال‌های منتهی به ۲۰۱۱ با وجود رشد اقتصادی، نابرابری اقتصادی تشدید شد و باعث کاهش معضل بیکاری جوانان نشد. بنابراین، افکار عمومی به واسطه رشد تکنولوژی ارتباطی نوین، انگشت اتهام را متوجه ساختارهای ناکارآمد و فاسد ساخت (قنبرلو، ۱۳۹۲: ۱۰۴).

بیان مساله

هر شهر و کلانشهری مرزهای مشخص اداری دارد که با حوزه نفوذ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کلانشهر لزوماً یکسان نیست. در کلانشهرها، موضوع حاشیه‌ها یا حریم شهرها به دلیل مهاجرت از روستاها یا شهرهای کوچکتر همیشه مطرح بوده است. هر کلانشهری برای خود حریمی دارد و محدوده آن برای برنامه‌ریزی و سیاستگذاری درباره آن کلانشهر باید مشخص شود تا در تصمیم‌گیری‌ها سیاست‌های مناسبی اتخاذ کنند. مسکن‌های غیررسمی و تراکم جمعیت فاقد امکانات مختلف آموزشی، بهداشتی و رفاهی تهران از جمله مشکلات حریم‌های کلانشهرهاست. به عبارتی آسیب‌های متنوع اجتماعی نظیر روسپیگری، کودکان کار و خیابان، توزیع مواد مخدر، رشد اعتیاد، فقر و عدم دسترسی به مسکن مناسب ناشی از شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در اطراف هر کلانشهری رویت می‌شود.

نوشتار پیش رو قصد دارد، با شناخت حریم اجتماعی و فرهنگی شهر تهران و تعیین محدوده آن بر اساس مطالعات مستند از دهه ۴۰ شمسی عدالت فضایی بین دو بخش کلانشهر و حریم

آن را مشخص سازد و عوامل موثر بر نابرابری فضایی را مشخص سازد و نقش سیاست‌های کلان در رشد نابرابری فضایی را ترسیم کند. از این رو، در این مقاله به پرسش‌های زیر پاسخ داده می‌شود:

- محدوده حریم اجتماعی و فرهنگی تهران یا کلانشهر کجاست؟
- آیا میان حریم و کلانشهر تهران عدالت فضایی وجود دارد؟
- مهم‌ترین عوامل نابرابری فضایی حریم تهران کدامند؟
- آیا رابطه‌ای میان نابرابری فضایی و گسترش آسیب‌های اجتماعی مشاهده می‌شود؟
- نقش سیاست‌های کلان و برنامه‌ریزی‌های خرد در ایجاد تعادل فضایی چه بوده و چه می‌تواند باشد؟

مبانی نظری

مبانی نظری این مقاله بر بی‌عدالتی اجتماعی و بی‌عدالتی فضایی ناشی از آن در شهر و عوارض سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مترتب بر این وضعیت است. وضعیت آنومیک شهر تهران ناشی از گسترش حومه‌های شهری سرشار از مشکل، بروز حاشیه‌نشینی‌های پرمسئله، تشدید شکاف طبقاتی و در نهایت شکل‌گیری فرهنگ فقر پیرامون این کلان شهر بخشی از چارچوب نظری این مقاله را تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر، در حوزه فضایی دیدگاه‌های دیوید هاروی و نقش عدالت اجتماعی در شهر و فقدان آن استوار خواهد بود. در انتخاب این دو رویکرد در بررسی حریم اجتماعی تهران نظریات جامعه‌شناسی مردم‌مدار به دلیل کارآمدی نسبی در بیان مسئله به زبان ساده، وجه انتقادی آن و تلاش در نزدیک کردن بازیگران مختلف برای حل مسئله مورد استفاده قرار گرفته است که به اختصار به هر یک از این مبانی اشاره می‌شود.

عرصه‌های اجتماعی شهر و فضای پیرامون

از دیدگاه نظری شهر را نمی‌توان واحدی مستقل و فاقد پیرامون تعریف کرد. به همین دلیل، ادبیات غنی، گسترده و بسیار پر دامنه‌ای در ارتباط با حاشیه‌نشینی، مسکن غیررسمی، حوزه نفوذ و... با شهر و شهرنشینی گره خورده است. در این بخش، ضمن اشاره‌ای گذرا به روابط متقابل اجتماعی شهر و حوزه پیرامونی، تلاش داریم تا اهمیت حریم اجتماعی و فرهنگی شهر مورد تاکید قرار گیرد. در باب فضای اجتماعی شهر، دیدگاه‌های متنوعی وجود دارد. چنانکه اشاره شد، انتخاب رویکرد هاروی عمدتاً به دلیل توجه او به موضوع نابرابری اجتماعی و عوارض فضایی آن بوده است. هاروی معتقد است: «میان فضا، عدالت اجتماعی و عدالت فضایی رابطه‌ای هم‌بسته وجود دارد. سازمان فضایی هر شهر از مهم‌ترین ابعاد جوامع انسانی است که بازتاب

واقعیت‌ها و مناسبات اجتماعی است. این واقعیات، روابط و مناسبات را نیز به صورت متقابل تحت تاثیر قرار می‌دهد» (هاروی، ۱۹۹۲: ۵۹۲) چنین به نظر می‌رسد این نگرش با شرایط تهران سنخیت بیشتری دارد. همچنانکه جامعه‌شناسی مردم‌مدار نیز از همین دیدگاه تبعیت می‌کند.

از نظر دیوید هاروی شهرگرایی مجموعه‌ای از روابط اجتماعی است که در سراسر جامعه برقرار شده است. بنابراین، روابط حاکم بر شهر باید متوجه و مرتبط با قوانینی باشد که پدیده‌های شهری بر آن اساس انتظام یافته‌اند. به عبارت بهتر، شهر بیان‌کننده و تثبیت‌کننده نوع خاصی از شیوه تولید است. حال این شیوه تولید می‌تواند سرمایه‌داری، سوسیالیستی و یا مبتنی بر استثمار باشد. هاروی با الهام از نظرات لوفور به شکل‌گیری تضاد جدیدی درون فرایندهای شهری شدن جوامع اشاره می‌کند. او با گسترش افق بحث و یافتن ارتباط میان سطح محلی با افق جهانی به ستیز و چالش میان مراکز متروپل جهانی و کشورهای توسعه‌نیافته از یک سو و تداخل مسایل روستایی با شهرها از دیگر سو اشاره می‌کند. از منظر او همانگونه که کشورهای توسعه نیافته با مشکلات و شیوه تولید متروپل‌های جهانی روبه‌رو هستند، شهرها نیز با مسائل روستایی مواجه‌اند. وی با تایید نظر لوفور می‌گوید: «شهری شدن روستا متضمن روستایی شدن شهر است» (افروغ، ۱۳۸۷: ۱۴۲-۱۴۱). هاروی در اثر معروف خود شهر و عدالت اجتماعی، فرایندهای اجتماعی و اشکال فضایی را واقعیات لاینفک می‌داند. وی معتقد است که باید بین بینش جامعه‌شناختی و بینش جغرافیایی پلی ایجاد کرد. او معتقد است که کسانی پیدا می‌شوند که از بینش بالای جامعه‌شناختی برخوردارند اما در دنیایی بی‌فضا زندگی می‌کنند و هستند کسانی که از آگاهی و بینش خوب فضایی برخوردارند، اما نمی‌توانند تشخیص دهند که شیوه شکل‌گیری فضا می‌تواند تاثیری عمیق بر فرایندهای اجتماعی داشته باشد. یعنی؛ سیمای فضایی یک مکان منعکس‌کننده روابط اجتماعی است.

جغرافیای بی‌عدالتی

برای هاروی همواره نادیده گرفتن یا بی‌اهمیت دانستن ابعاد جغرافیایی عدالت، مسئله اساسی بوده است. رابطه سرمایه‌داری و فضا، تاثیر آن بر ساختارهای فیزیکی شهر نظیر ساخت‌وسازها، شکل‌دهی به شهرها و حومه، حمل و نقل و شبکه‌های ارتباطی و ظهور یا سقوط شهرهای بزرگ در کنار ابعاد نمادین و آشکار شهر و نیز پرسش‌های هنجاری مانند عدالت در کنار مسائل اجتماعی مانند مبارزه طبقاتی و رابطه آن با انواع مبارزه‌ها موضوع نظریه‌ورزی او بوده است (کاستری، ۲۰۰۷: ۱۰۳). به باور وی عدالت اساساً برای حل و فصل دعاوی متضاد به وجود آمده است. عدالت اجتماعی نیز در واقع کاربرد خاص این اصول برای فائق آمدن بر تعارضاتی است

که لازمه همکاری اجتماعی برای ترقی و پیشرفت افراد است. تولید از طریق کار افزایش می‌یابد اما مسئله این است که چگونه توزیع می‌شود، عدالت اجتماعی باید ناظر بر تقسیم نتایج تولید در فرایند کار جمعی باشد. این اصول شامل نهادها و سازمان اجتماعی مرتبط با فعالیت تولید و توزیع نیز می‌باشد (هاروی، ۱۳۷۶: ۹۷).

اهمیت این دیدگاه هاروی را در امتزاج معضلات حوزه‌های پیرامون شهرهایی نظیر تهران و نیز پیچیده‌تر شدن مسائل ساکنان روستایی یا شبه‌روستایی حریم تهران به واسطه ارتباط با کلانشهر تهران شاهدیم. به دیگر سخن، در حالیکه متروپل تهران با مسایل جهانی شدن و نظام رسانه‌ای روبه‌روست همزمان با چالش مهاجرین روستایی و روستاهای شهرشده اطراف خود نیز مواجه است. حاصل چنین روندی که در ادامه به جوانب مختلف آن اشاره خواهد شد، جدایی‌گزینی فضایی میان تهران و شهرهای پیرامون آن است.

پیامدهای جدایی‌گزینی فضایی را از زوایای مختلفی می‌توان ارزیابی کرد. مسی و ایگرز در مقاله «اکولوژی نابرابری» معتقدند: «افزایش جدایی‌گزینی‌های بین طبقاتی که به فقر می‌انجامد به معنای افزایش امکان تماس‌های درون طبقاتی است. تمرکز رو به رشد فقر به نوبه خود محیطی اجتماعی به وجود می‌آورد که با کمبود نهادها، نقش‌ها و ارزش‌هایی که هدایت‌گر موفقیت در جامعه بزرگتر است، همراه است. به عبارت روشن‌تر، در محله‌هایی که با نرخ بالای تمرکز فقر مواجهند، تعاملات و تماس‌های درون طبقاتی فزونی می‌یابد و نقشی که بعضی شاخه‌های طبقات متوسط می‌توانند به مثابه گروه مرجع در تاثیرگذاری بر طبقات پایین داشته باشند، منتفی می‌شود. این مساله می‌تواند الگوهای رفتاری و ارزشی فقرا را که از طریق جامعه‌پذیری به نسل‌های بعد انتقال می‌یابد تداوم و تحکیم بخشد» (افروغ، ۱۳۸۷: ۲۲۹).

علاوه بر این، بر اساس موارد متعدد، نابرابری‌های اجتماعی و عدم تعادل‌های فضایی می‌تواند به اشکال مختلفی از جنبش‌های اجتماعی منتهی شود که از پاریس تا قاهره و از تهران تا بوگوتا قابل مشاهده است. این جنبش‌ها که اغلب صورت‌های خاموش اما کاملاً مشهود دارند، همواره با این قابلیت همراهند که در صورت آماده شدن زمینه‌های بروز، تبدیل به امواج خروشان از خشم و تخریب شوند. آصف بیات در کتاب «سیاست‌های خیابانی» با ارائه شواهد متعددی از چالش‌ها میان کلانشهرهای جهان سومی با ساکنان حریم خود انواع مقاومت‌ها و مداخلات دوسویه را مورد ارزیابی قرار داده است. برای مثال، در یکی از موارد روزانه چالش‌برانگیز میان تهیدستان حاشیه‌نشین شهر با مرکز، وی به سه حوزه مناقشه‌برانگیز میان دولت و دست‌فروشان اشاره می‌کند:

- اشغال شهر توسط آنان

- اشغال فضای فیزیکی شهر

اشغال فضای اجتماعی و فرهنگی شهر

از نظر بیات، دست‌فروشان به صورت فعال در خیابان مشارکت دارند و این با اصل اساسی دولت که تسلط همه‌جانبه بر خیابان و تقسیم حوزه‌ی عمومی به خواست خود بوده، متفاوت است. از طرف دیگر، دست‌فروشان با اشغال فضای شهری و حوزه‌ی عمومی، به راحتی پس از کسب امنیت شغلی به تدریج تکه‌ای از حوزه‌ی عمومی را از آن خود می‌کنند. از همه‌ی اینها مهمتر اینکه، دست‌فروشان با استقرار در خیابان‌ها، فرهنگ اجتماعی جدیدی را خلق می‌کنند که با فرهنگ اجتماعی مدنظر حکومت متفاوت است. دولت به واسطه‌ی این مسائل، با دست‌فروشان وارد رویارویی شده و از ابزارهایی نظیر سازوکارهای نهادی، فشارهای اخلاقی وسیع و خشونت استفاده می‌کند (بیات، ۱۳۹۱: ۲۷۸).

بوگوتا (۱۹۸۸) موردی برای هشدار

بررسی یکی از کلانشهرهای آمریکای لاتین از نظر شکاف طبقاتی، فقر و انباشت آسیب‌ها و جرائم شهری و اتخاذ سیاست‌ها و اقدامات اصلاحی امکان‌بخش تجربه مشابه تهران را تا حدی فراهم می‌سازد. هرناندا بواندیا، برای درک بهتر از شرایط آنومیک، یکی از خطرناک‌ترین شهرهای جهان یعنی بوگوتا را که از نظر میزان جنایت و مشهور بودن آن در رسانه‌ها در کتاب جرائم شهری مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. ساختار جمعیتی، اقتصادی- اجتماعی و فضایی این شهر از نقطه نظر فرایندهای مدرن شدن به اعتقاد او با جرایم معمول ارتباط مستقیمی دارد. به باور وی عوامل متعددی مسئول عدم همبستگی اجتماعی بوگوتا هستند که با توجه به مشابهت آن با تهران به این موارد اشاره می‌شود:

جمعیت: این شهر به مدت طولانی مرکز عمده مهاجرت کلمبیا بوده و رشد سالانه ۵ درصدی جمعیت را در یکصد سال اخیر تجربه کرده است. رشد شهری شدن آن در فاصله ۱۹۳۸ در طول ۵۰ سال از ۶۱ درصد روستایی به ۳۰ درصد تبدیل شده که بسیار شبیه ایران است. مساحت بوگوتا تا حدی سریع‌تر از جمعیت گسترش یافته و بیش از نیمی از کل گسترش پایتخت به علت هجوم مهاجرین بوده است. مهاجرینی که به طرز بی‌تناسبی در حاشیه‌ها یا محله‌های پایین مستقر می‌شوند و به طور خلاصه تحول جمعیتی تسریع‌شده بر روی تغییرات خواست اجتماعی از کودکان به جوانان و سالمندان تأثیر گذارده و تغییر در وقوع و الگوهای جرایم معمول در آینده نزدیک را قابل پیش‌بینی ساخته است.

اقتصاد: این شهر با تولید ناخالص داخلی سرانه ۲۰۶۸ دلار در سال ۱۹۸۴ فقیر محسوب نمی‌شود و در حقیقت میانگین استاندارد زندگی با گذشت زمان گرایش به افزایش دارد. چنانکه سهم پایتخت در فعالیت‌های اقتصادی کشور در فاصله کوتاهی از ۱۸ به ۲۳ درصد رسیده که

خود یکی از عوامل مهاجرت به شمار می‌آید. اما آنچه اهمیت دارد احساس محرومیت و فقر نسبی مالکین است. ۲۰ درصد جمعیت شهر ۵۶ درصد کل درآمد و ۲۰ درصد محروم تنها ۳/۷ درصد درآمد را در اختیار دارند، بنابراین فقر و نابرابری در حدی است که زمینه را برای جرایم معمول آماده می‌کند. در این وضعیت، عدم پوشش بخش بزرگی از کارگران در سازمان تأمین اجتماعی، کمبود فرصت‌های شغلی و بیکاری بالا و وقوع بیکاری آشکار به شکل نامتناسب بین فقرا، زنان و افراد تحصیلکرده‌تر را نیز اضافه کنید.

طرح فضایی شهر: تفاوت تراکم جمعیتی در مناطق مختلف شهر و تناسب آن با میزان درآمد به گونه‌ای است که تراکم جمعیت از ۱۳ تا ۱۶۷ نفر در هکتار متغیر بوده و نرخ باروری از ۱۱/۵ تا ۳۲/۶ تولد در هر هزار نفر مشاهده شده است. درآمد خانوار نیز ۱۵۰ دلار در ماه در برابر ۵۰۰۰ دلار در ماه فاصله را نشان می‌دهد. به این ترتیب، و به هر دلیل بوگوتا داستان دو شهر است، جهانی شدیداً به دو قسمت تقسیم شده یک بخش مدرن، راحت، لوکس و یک ردیف شلوغ که کم‌کم ناهنجار می‌شود و هر قدر که دور می‌شویم از طبقه متوسط به مناطق پست شهر می‌گراییم.

ساختار و بحران در زندگی شهری: در این موضوع سه فرایند عمده و مشترکاً تقویت‌کننده قابل تشخیص است. اول، افزایش عدم تأثیر سازوکارهای سنتی کنترل اجتماعی و به عبارتی عدم جایگزینی کنترل‌کننده‌های مدرن، دوم، پدیدار شدن الگوهای قابل تطبیق ارتباط که برای ارائه حیات ضروری است و سوم، به دلیل نابسامانی‌های تعمیم‌یافته، شیوع راه‌حل‌های خودمدارانه که عقلانیت فردی را بر عقلانیت جمعی برتری می‌دهد. مهمترین شاخص‌های ساختار و بحران در زندگی شهری که در سه گروه اصلی اشاره شد، در متغیرهای ذیل قابل تفسیرند:

الف) مذهب: سنتی که شدیداً جزء زندگی روزمره در مناطق روستایی و شهرهای کوچک بود با ظهور صنعتی شدن و مهاجرت نقش خود را از دست داده است.

ب) خانواده: روش‌های متعدد در ازدواج بین خرده فرهنگ‌ها نه تنها نوع جدید و متناسب با زندگی شهری را ایجاد نکرده بلکه چندین تعریف از جنسیت و نقش‌های خانوادگی را در برخورد با یکدیگر به وجود آورده است. بنابراین هر نوع نبرد ارزشی علاوه بر تشدید چالش‌های متعدد موجود در زندگی شهری، افزایش آشکار بحران‌های خانوادگی در بوگوتا را توجیه می‌کند.

ج) کمیابی و خصومت: کمبود ساختاری فرصت‌ها که توسط نهادهای مدرن در بوگوتا ایجاد می‌شود، خلاء عظیم خواست‌های ارضا نشده اجتماعی را به دنبال می‌آورد، این عدم توازن علنی

بر همه قلمروهای زندگی شهری تأثیر می‌گذارد و به ظهور بدیل‌های ویژه غیررسمی برای بقاء در شهر منجر می‌شود.

د) اقتصاد غیررسمی: با کمبود مشاغل، بیکاری، فقدان بیمه، فقر و شکاف طبقاتی زیر پا گذاشتن استانداردهای امنیتی، استقرار در محل‌های ممنوعه مانند دستفروشی در خیابان، فرار از مالیات و مشاغل غیررسمی روندی طبیعی محسوب می‌شود (بواندیا، ۱۳۸۰: ۴۲-۶۱).

این مجموعه پیچیده از ناهنجاری به وضعیتی منتهی شد که بوگوتا را به یکی از ۱۰ شهر خطرناک جهان در دهه ۹۰ تبدیل کرد. اما در فاصله دو دهه، مجموعه‌ای از اقدامات به تدریج این شهر را از چنبره برخی از مشکلات خارج ساخت.

بوگوتا از طریق بهبود فضای عمومی، ایجاد شبکه‌ای از امکانات فرهنگی، بهبود سیستم حمل و نقل، رشد فرهنگ مدنی و انسجام اجتماعی در سال ۲۰۰۶ موفق به کسب جایزه شیر طلایی از دوسالانه ونیز شد. مدل بوگوتا برنامه‌ریزی شهری از طریق حکمرانی خوب، توسعه سیاسی و پیوستن به بازار جهانی به عنوان یکی از ابزارهای توسعه اقتصادی بود. کاهش فقر، افزایش امنیت، بهبود آموزش و پرورش ارائه خدمات اجتماعی و فراهم‌سازی زمینه‌های رقابت این شهر را در رتبه ششم بهترین شهرهای آمریکای لاتین برای کسب‌وکار قرار داد. هرچند توجه بیش از حد به مرکز شهر و نوسازی این بخش تداوم مشکلات پیرامون را به همراه داشته اما برنامه‌های بهبود شرایط زندگی حاشیه‌نشینان با سرعت ادامه دارد (کامیلو، ۲۰۱۲: ۱۵۱-۱۵۲).

شاخص‌های قابل تأیید این تحلیل درباره بوگوتا خارج شدن بوگوتا از فهرست ۵۰ شهر خطرناک جهان^۱ کاهش نرخ بیکاری از حدود ۱۸ درصد در سال ۲۰۰۲ به ۹ درصد در آوریل ۲۰۱۶^۲ و کاهش نرخ تورم به ۸/۲ درصد در سال ۲۰۰۶ نسبت به ۴۱/۶ درصد در سال ۱۹۷۷ است.^۳ به عبارت دیگر، بوگوتا در سایه حل مشکلات فقر و بیکاری و بهبود نرخ مشارکت شهروندان و نوسازی پایتخت خود را از مخاطرات حاشیه هرچند به طور ناقص دور کرده است. گزارش جهانی اسکان بشر سازمان ملل در سال ۲۰۱۲ به موارد متعددی از بهبود دسترسی‌ها، شبکه‌های حمل و نقل، تنوع مسکن، تناسب قیمت مسکن شهری، اصلاح مقررات استفاده از زمین شهری و طراحی و اجرای سیاست منسجم توسعه‌ای شهر اشاره دارد. (بوکارچ، ۲۰۱۳: ۱۳۸) در هر حال، کاهش و جبران نارضایتی‌ها جزو اصلی‌ترین اهداف [و یا شاید مهمترین هدف] دولت‌ها و مدیریت‌های شهری در برابر فقرای شهری است. برای نیل به این هدف، جلب مشارکت و همکاری چهار گروه اصلی بازیگران شهری، یعنی جوامع محلی و قومی،

1- www.worldatlas.com

2- www.tradingeconomics.com

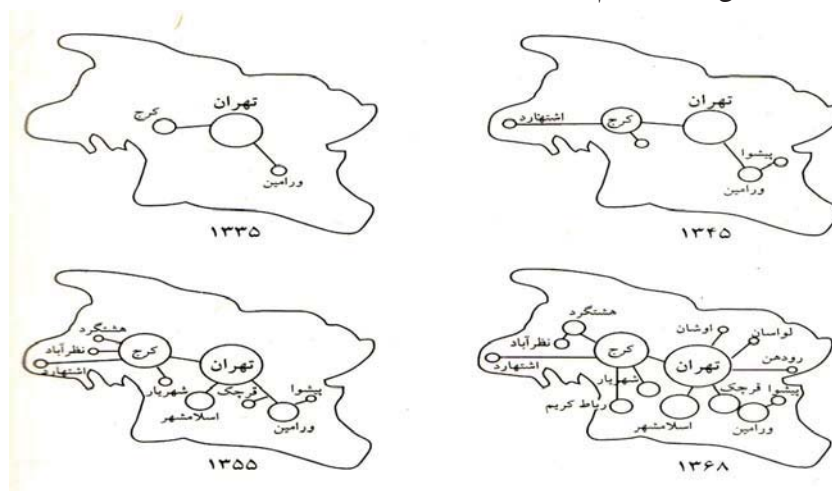
3- www.inflation-cpi.com

احزاب سیاسی، گروه‌های دارای علاقه‌مندی‌های خاص و روابط عمودی قدرت حامیان و بهره‌برداران^۱ ضروری است. بررسی‌های انجام شده در میان کشورهای آمریکای لاتین بیانگر رویکرد تقابلی میان سیاستگذاران با حقوق مدنی به عنوان اصلی‌ترین مانع برای دستیابی به این هدف است (والتون، ۱۹۹۸: ۳۲).

این مشکل به نوعی فصل مشترک تمامی کلانشهرهای کشورهای پیرامونی نظیر بوگوتا، ریودژانیرو و قاهره و تهران است.

حریم تهران و شبکه شهری کلانشهر

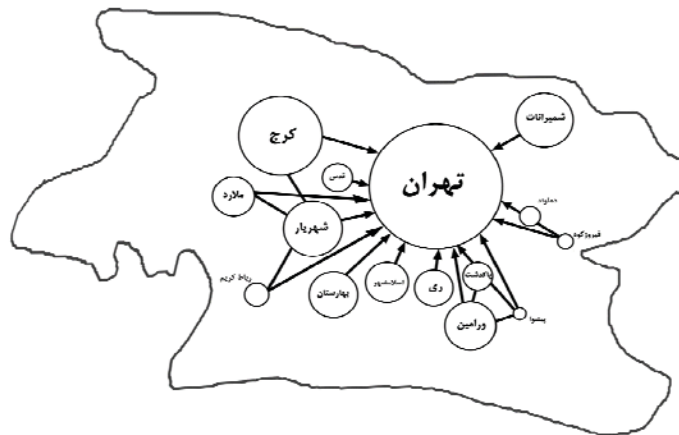
برای درک بهتری از ابعاد موضوع، اشاره به تاریخچه رشد فضایی پایتخت و روند شبکه‌ای شدن آن ضروری به نظر می‌رسد. این مسئله با افزایش مهاجرت به تهران و حاشیه‌های آن از اوایل دهه ۴۰ و به واسطه درآمدهای نفتی آغاز شد. روندی که تا به امروز ادامه داشته و هر روز بر دامنه عوارض آن افزوده شده است. در نقشه زیر شاهد گسترش و پیچیده شدن حوزه پیرامونی تهران در فاصله شش دهه هستیم.



تصویر شماره ۱؛ تشکیل شبکه شهری تهران بزرگ از ۱۳۳۵-۱۳۶۵^۲

1- patron- client

۲- تهران، پایتخت دویست‌ساله (مجموعه مقالات)، گسترش تهران و دگرگونی روستاهای آن، محمدتقی رهنمایی، دانشگاه تهران، ص ۲۷۷.



۱۳۹۵

تصویر شماره ۲: وضعیت شبکه اجتماعی تهران در حال حاضر^۱

آنچه در مورد تهران و حریم آن صورتی عام و البته تاریخی دارد، شکل‌گیری مسکنی بدون استاندارد، خودرو، به دور از نظارت و در نتیجه اجازه مدیریت شهری و فاقد حداقل امکانات و خدمات شهری است. گزارش‌های رسمی و ارزیابی‌های نهادهای مختلف همواره به این بخش از ویژگی‌های حریم تهران در ادوار مختلف پرداخته‌اند. زیرا «اسکان غیررسمی، شیوه و فضای حاصل از نوعی زندگی شهری است که در تمامی یا غالب جهتهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی، حقوقی، سابقه استقرار و نحوه شکل‌گیری و سیر تحولات تاریخی با بخش‌های مجاور تفاوت اساسی دارد. مسکن‌های غیرمعمول خیابان‌ها و کوچه‌های تنگ و باریک، مشکلات زیست محیطی و بهداشتی، فزونی و تراکم بالای جمعیت، فقر فرهنگی و آسیب‌پذیری بالا در برابر حوادث طبیعی، سطح پایین برخورداری از امکانات و تسهیلات زندگی، عدم برخورداری از امکانات، تأسیسات و خدمات شهری، اشتغال غالب در مشاغل غیررسمی، تصرف غیرقانونی زمین و... از ویژگی‌های اسکان غیررسمی است (کمانرودی، ۶۵:۱۳۸۵).

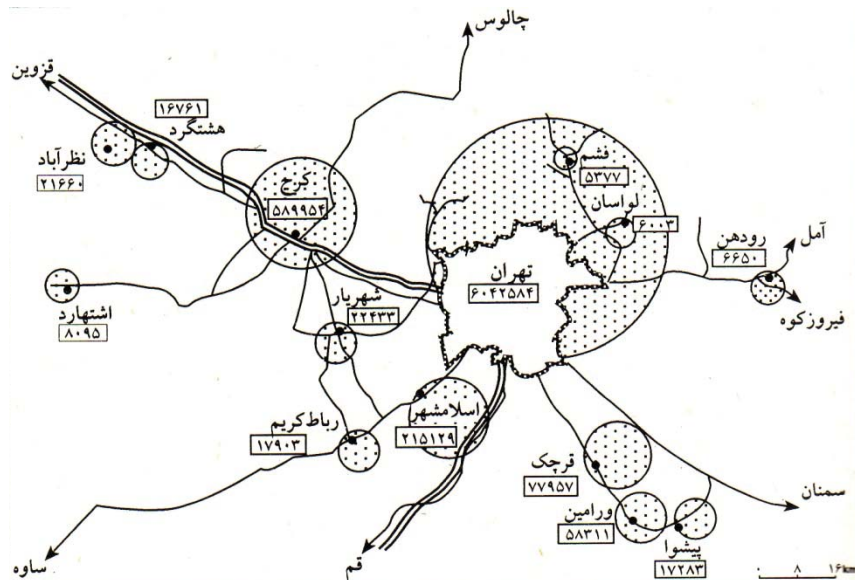
چنانکه اشاره شد حاشیه‌های کلانشهر تهران پیشینه‌ای طولانی دارد. این حاشیه‌های پرمنازعه در سال‌های پایانی حکومت پهلوی تیتراخبار روزنامه‌های بسیاری در آن دوره بوده‌اند. تلاش برای تخریب در هر روز و ساخته شدن در هر شب، داستانی تکراری برای شهروندان تهرانی به شمار

۱- تهران پایتخت دو بیست ساله (مجموعه مقالات)، (تاریخ دو بیست ساله جمعیت تهران، حبیب‌الله زنجانی، وزارت مسکن - تهران).

می‌آمد. اما حاشیه‌نشینان بی‌قدرت در بزنگاهی سیاسی از کنش خاموش به حرکتی خروشان و پردامنه تغییر وضعیت دادند. با پیروزی انقلاب اسلامی و کاهش اقتدار دولت، تهران با جنبش تهیدستان مواجه گردید. تصرف خانه‌ها و هتل‌ها در کنار هجوم گسترده جمعیت بیکار شده جدید به تهران و مناطق حاشیه شهر و نیز دیدگاه‌های معطوف به عدالت اجتماعی در میان برخی از مسئولین وقت باعث شد تا پیکره تهران به سرعت و یکباره گسترش یابد. به‌گونه‌ای که جمعیت اسلامشهر و پیرامون که در سال ۱۳۵۵ تنها ۵۰ هزار نفر بود در سال ۱۳۶۹ به ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر رسید و مناطق حاشیه‌ای اطراف تهران (از ۲۰۰ کیلومتر مربع در سال اول انقلاب به ۶۰۰ کیلومتر مربع در سال ۱۳۷۱ افزایش یافت (بیات، ۱۳۹۱: ۱۴۹-۱۴۸).

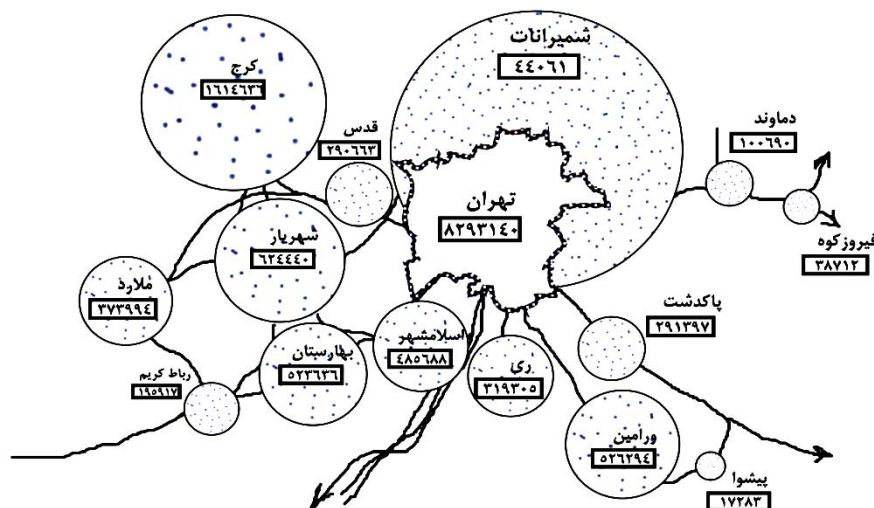
بر اساس آمارهای منتشر شده رسمی جمعیت اسلامشهر در سال ۱۳۶۵، ۲۱۵۱۲۹ نفر و در سال ۱۳۷۰ این جمعیت به ۲۳۰۱۸۳ نفر افزایش یافته و جمعیت این شهرستان طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ برابر با ۴۴۷۱۹۲ نفر بوده است.

این روند شتابان از افزایش جمعیت در حریم تهران را در نقشه شهرهای منطقه تهران بهتر می‌توان مشاهده کرد؛ شکل‌گیری سه شهر بالای ۱۰۰ هزار نفر و دو شهر بیش از ۵۰ هزار نفر و بروز پدیده شهرهای متعدد خوابگاهی در اطراف تهران در سال ۱۳۶۵ که به تعبیری حریم اصلی فرهنگی و اجتماعی پایتخت محسوب می‌شوند، به سرعت تبدیل به شبکه شهری عظیمی شامل کلانشهر کرج با بیش از یک میلیون نفر جمعیت؛ دو شهرستان بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار نفر، پنج شهرستان با جمعیت بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر و سه شهرستان بالای ۵۰۰ هزار نفر گردید.



تصویر شماره ۳: شهرهای منطقه تهران در سال ۱۳۶۵

تغییرات ابعاد جمعیتی و نزدیک شدن حاشیه‌ها به کلانشهر تهران و نیز سرعت رشد حریم را در فاصله کمتر از سه دهه در شکل ذیل می‌توان مشاهده کرد. امروز با وجود تبدیل شدن کرج به مرز سیاسی استان البرز، تقریباً مرزی میان آن با تهران نمی‌توان ترسیم کرد. همچنین میان ری، ورامین، پاکدشت، شهریار با تهران فواصل به شدت کوتاه شده است.



گسترش شبکه شهری پیرامون تهران و محاصره پایتخت توسط حاشیه (نگارنده)

تصویر شماره ۴: گسترش شبکه شهری پیرامون تهران و محاصره پایتخت توسط حاشیه

حاصل چنین روندی نتایجی جز تشدید مشکلات و تبدیل شدن موضوع به مساله و رسیدن به بحران در آینده را به ذهن برنامه‌ریزان متبادر نمی‌کرد. از جمله پیش‌بینی سال ۱۳۸۴ بدین قرار بوده است:

– در دوره سرشماری ۸۵-۱۳۷۵، جمعاً ۲۶ نقطه شهری دیگر در محدوده اسلامشهر به وجود آمده است.

– در آینده نزدیک با تبدیل شدن آبادی‌های دیگری به شهر، حداقل ۵۰ نقطه دیگر بر تعداد نقاط شهری در این محدوده افزوده خواهد شد.

– بررسی رشد و پراکنش جمعیت منطقه کلانشهری تهران در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که به علت بی‌توجهی‌های مختلف تمرکز جمعیت بیشتر در مناطق پیرامونی و به شکلی نامناسب و نامتعادل بوده است.

– بررسی جمعیت حوزه‌های ۹ گانه در منطقه کلانشهری تهران حاکی از این است که جمعیت آن در افق طرح از سقف جمعیتی مصوب بیشتر شود. حوزه‌های کرج - شهریار و حوزه اسلامشهر - رباط کریم بیشترین جمعیت‌پذیری را خواهند داشت.

– حس انزو و درحاشیه بودن و افزایش شکاف در چند دهه اخیر گسترش یافته است. – با توجه به مهیا نبودن شرایط رسمی و قانونی ارتقاء کیفیت زندگی متوسل شدن ساکنان این منطقه به راه‌های غیررسمی، بزهکاری، اشتغال به قاچاق مواد مخدر و... امری است که زمینه تقلیل شاخص‌های احساس امنیت را رقم می‌زند (مهندسین مشاور آبان، ۱۳۸۴: ۵۱).

جدول ذیل رشد شتابان و افزایش سریع جمعیت شهرستان‌های اطراف تهران و تبدیل روستاها به شهرها را نشان می‌دهد. یادآور می‌شود با وجود تشکیل استان البرز و خارج شدن کرج و شهرستان‌ها و روستاهای استان تهران به حدود ۵۰ شهرستان بالغ گردیده، تعداد شهرستان‌ها و تغییرات نقشه فوق بیانگر تحقق پیش‌بینی‌ها و حتی پیشی گرفتن گمانه‌زنی‌ها در این زمینه است.

جدول شماره ۱: رشد شتابان شهرهای حومه تهران و تبدیل روستا به شهر

ردیف	شهرستان	شهر	جمعیت	ردیف	شهرستان	شهر	جمعیت
۱	تهران	تهران	۸۲۹۳۱۴	۶	فیروزکوه	فیروزکوه	۳۸۷۱۲
۲	اسلامشهر	اسلامشهر چهاردانگه	۴۸۵۶۸۸	۷	پاکدشت	پاکدشت شریف آباد	۲۹۱۳۹۷
۳	ورامین	ورامین قرچک جواد آباد	۵۲۶۲۹۴	۸	رباط کریم	رباط کریم پرند نصیرشهر	۱۹۵۹۱۷
۴	ری	شهر ری کهریزک باقرشهر حسن آباد	۳۱۹۳۰۵	۹	شمیرانات	تجریش لواسان اوشان فشم میگون	۴۴۰۶۱
۵	شهریار	شهریار شاهدشهر وحیدیه صباشهر باغستان اندیشه فردوسیه	۶۲۴۴۴۰	۱۰	بهارستان	بهارستان گلستان نسیم شهر حسن آباد صالحیه قلعه میر سلطان آباد	۵۲۳۶۳۶
				۱۱	پیشوا	پیشوا	۷۵۴۵۴
				۱۲	قدس	قدس سرخ حصار	۲۹۰۶۶۳
				۱۳	ملارد	ملارد صفا دشت امیر آباد	۳۷۳۹۹۴
				۱۴	دماوند	دماوند آبعلی رودهن کیلان آبسرده بومهن	۱۰۰۶۹۰

نگرش‌های مدیریت شهری تهران و تشدید معضلات حریم

با وقوع انقلاب و سپس جنگ، تهران به شهر ره‌اشده از نظر دولت و شهرداری تبدیل شد. محدودیت شدید منابع و نیاز به نیروی جوانان شهر و حاشیه برای جبهه‌ها درگیری با حاشیه‌ها را منتفی ساخت. با پایان جنگ و آغاز به کار دولت سازندگی سیاست‌های توسعه و توجه به ویتترین تهران مجدد در دستور کار قرار گرفت. شهرداری با قرار دادن گلدان در سطح شهر کار خود را شروع کرد و با تخریب زاغه‌های درون شهر سیاست‌های قبل از انقلاب را پی گرفت. از جمله روایت‌های متواتر آن دوره این است که زمانیکه کرباسچی در دهه ۷۰ شهردار تهران بود، می‌گفت باید تهران از نظر مدرن بودن تبدیل به شهری بشود که هر کس زیر ۵۰۰ هزار تومان درآمد دارد تهران را ترک کند، چون نمی‌تواند هزینه‌های چنین شهری را پرداخت کند (کرباسچی، خط نیوز، ۱۳۹۲). البته پاسخ شهردار وقت به چنین اتهامی رد موضوع از یک سو و تأیید آن با منطق دیگر است. او گفته است: «الگویی که ما در شهرداری داشتیم این بود که اداره یک شهر را به عهده کل ملت ایران نگذاریم و از بودجه عمومی دولت و از پول نفت برای رفاه شهروندان تهرانی هزینه کنیم.» در حقیقت ما می‌خواستیم سیستمی را اجرایی کنیم که هر کس از امکانات بیشتر و بهتری استفاده می‌کند پرداخت بیشتری هم داشته باشد. بنابراین اگر کسانی در تهران امکانات بهتر و راحتی نسبی بیشتری دارند باید هزینه‌اش را هم بپردازند. البته بعد از آن تعبیرهای مختلفی از این برنامه شد مثل اینکه می‌گفتند با اجرا شدن این برنامه افرادی که پول کمتری دارند، نباید یا نمی‌توانند در تهران زندگی کنند. البته این تعبیرها، تعبیرهای تبلیغاتی سیاسی بود (کرباسچی، نامه نیوز، ۱۳۹۳).

اما نکته حائز توجه و تأکید، بروز مشکلات جدی در حریم تهران در آن سال‌ها نهفته است. به گونه‌ای که رشد معضلات منجر به ارائه طرحی از سوی نمایندگان مجلس برای اصلاح تبصره ماده ۹۹ قانون شهرداری‌ها و تلاش برای ارائه خدمات از سوی شهرداری تهران به مناطق پیرامون شد. خلاصه مهمترین محورهای مباحث نمایندگان و دیدگاه‌های موافق و مخالف حاکی از تداوم دو نگاه در دهه‌های اخیر است؛

– نگاه و رویکردی که حل مسائل حریم را بر عهده متروپل می‌داند.

– رویکردی که به دنبال جدا کردن هرچه بیشتر پیرامون از متن و شانه خالی کردن از بار مسئولیت از سوی متروپل است.

جلسه ۱۳۵ مجلس شورای اسلامی بیانگر وجود ۱۲۴ نقطه دارای مشکل در پیرامون تهران است. سخنان موافق و مخالف شکاف این دو دیدگاه را به خوبی نشان می‌دهد. محورهای اصلی این مخالفت‌ها و موافقت‌ها به شرح زیر است؛

اگر حریم شهر تهران اتصال به حریم شهرهای اطراف مثل ورامین، شهریار و غیره پیدا کند (چون حرف اصلی طرح این است) نتیجه این خواهد شد که زمین‌هایی که در حال حاضر ساخته نشده است و بین شهر تهران و شهر کرج و ورامین، و شهریار و اسلامشهر و غیره وجود دارد، به دلیل اینکه قانونی برای کنترلش نیست تمام پر خواهد شد و ما یک منطقه شهری تهران با یک جمعیت ۱۷-۱۸ میلیون نفری پیدا خواهیم کرد و فکر می‌کنیم که هیچکدام از نمایندگان با این اتفاق موافق نباشند.

در رابطه با وضع شهرک‌ها و روستاها در حریم شهر تهران ۱۲۴ نقطه وجود دارد که عنوان شهرک را با خودش یدک می‌کشد در حالی که شهرک معنی و مفهوم خاص خودش را دارد طبق قانون باید شهرک‌سازی کرد و بعد هیات مدیره آن شهرک هستند که ارائه خدمات به شهرک را بر عهده دارد نه شهرداری. شهرداری در ارتباط با شهرک‌ها مسؤولیتی ندارد، اگر شهرک طبق قانون تشکیل شده باشد و اگر روستا باشند در محدوده طرح‌های این روستا اجازه ساخت و ساز داده می‌شود.

مشکلی که این ۱۲۴ نقطه دارد، این است که ۱۲۰ نقطه آن نه شهرک است نه روستا. بلکه نقاط خودجوشی است که ایجاد شده است. حالا اگر فرض را بر این بگذاریم که ۱۲۴ نقطه را تحت خدمت شهری ببریم، یعنی شهرداری ما ذیل خدمات شهری ببرد، اولاً که اینها باید به محدوده شهر اضافه شود. با این پیشنهاد طراحان محترم این مشکل حل نخواهد شد. ثانیاً امکان اینکه ۱۲۴ نقطه را شهردار تهران با بودجه ۶۰۰ میلیارد تومانی ارائه خدمات دهد، وجود ندارد. با پذیرش این طرح خطری که امروز تهران را تهدید کرده، آیا سایر شهرهای بزرگ کشور را تهدید نمی‌کند؟ آیا اصفهانیا شهرک‌های اطراف خودش تداخل محدوده نیافته است؟ آیا مشهد که دارد این طور بزرگ می‌شود با شهرک‌های خودش تداخل محدوده نیافته؟ آیا نمایندگان این شهرها حق ندارند عین همین طرح را برای شهر خودشان تهیه بفرمایند؟ مجلس به جای اینکه درصدد تهیه طرح‌های جدید باشد، به فکر اصلاح قوانین و شدت بخشیدن به کار خودش در بعد نظارت باشد.

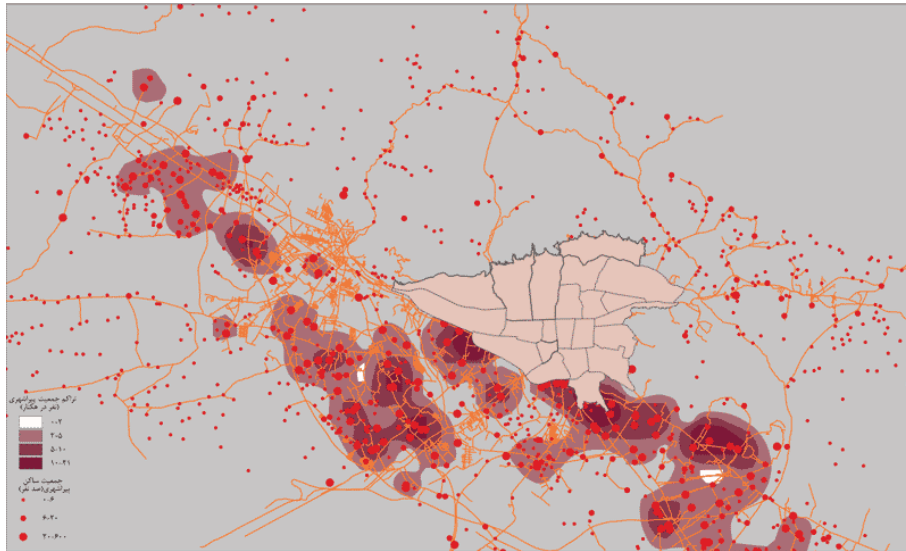
نکته‌ای که در مورد شهرداری تهران لازم به ذکر می‌دانیم این است که شهرداری در اجرای آن قوانینی که به نفعش هست، خیلی محکم عمل می‌کند ولی آن قوانینی که یک مقدار به ضررش تمام می‌شود اهمال می‌کند. وضع نواحی بینابینی را با وضع شش هفت سال قبل قیاس کنید. من دست شما نمایندگان محترم را بگیرم و به یکی از این مناطقی که خیلی با آن آشنا هستم (گردنه کرج) ببرم و به درددل مردم گوش بدهید تا معتقد بشوید که باید کاری کرد. راهی برای اسکان مردم در مناطق حاشیه‌ای حتی در حد زاد و ولد و افزایش جمعیت آنها وجود ندارد. یعنی اگر در یکی از این مناطق حاشیه‌ای یک نفر بخواهد یک اتاق به منزل خود

اضافه کند، معمولاً مواجهه با مشکل می‌شود و ما در شهرستان کرج این مشکل را به صورت بسیار حاد داریم.

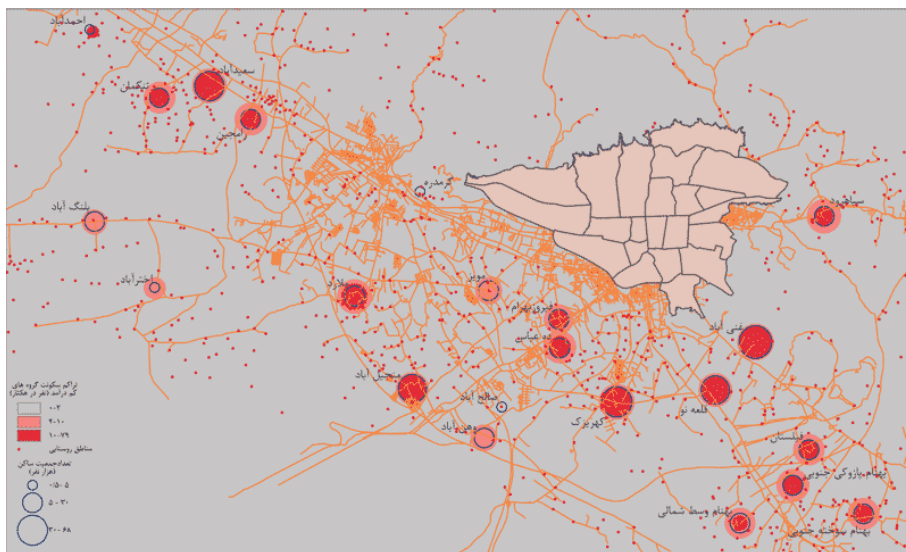
- از نظر خدمات الان کمبود بسیار شدیدی در فضاهای آموزشی، ورزشی و خدماتی این مناطق وجود دارد ولی حتی در جاهائی که خود مردم حاضر شدند سرمایه‌گذاری کنند با ممانعت شهرداری‌های این مناطق مواجه می‌شوند (روزنامه رسمی، شماره ۱۴۱۱۸ / ۱۳۷۲).

تداوم روند نابرابری‌ها و تشدید مشکلات

آنچه که به عنوان سیاست حاکم بر شهر تهران پس از جنگ انتخاب و اجرا شده است، به نابرابری‌های فضایی میان تهران و حریم خود افزوده است. مطالعات مختلف وضعیت نامطلوب سکونتگاه‌های پیرامون تهران به ویژه سکونتگاه‌های غیررسمی که در نتیجه ساخت‌وساز غیرمجاز یک شبه‌ای از گوشه و کنار منطقه سربرآمده نشان می‌دهد. گروه‌های کم درآمد که حتی سابقه یک نسل سکونت و اقامت در تهران داشته‌اند و به دلیل گرانی هزینه اسکان در تهران به حاشیه آن پناه آورده‌اند، سکونتگاه‌های فاقد خدمات و زیرساخت‌های شهری را برپا کرده‌اند. بدیهی است این شهرک‌ها جاذبه‌ای برای جذب جمعیت به غیر از فقیرترین گروه‌ها را نخواهند داشت. از سوی دیگر، حتی شهرهای جدیدی که با برنامه و سرمایه‌گذاری وزارت مسکن و شهرسازی ظرف سال‌های ۷۵ تا ۸۵ احداث شده‌اند، ۱۰ درصد جمعیت استان را که حدود دو میلیون نفر اضافه شده را هم در خود جای نداده‌اند. در تهران به دلیل سیاست‌های متناقض، عدم توجه به یکپارچگی شهر و منطقه تهران و کم‌توجهی به جذب و اسکان گروه‌های کم‌درآمد، عدم سرمایه‌گذاری مالی در پیرامون به ویژه در نظام حمل و نقل عمومی منطقه‌ای کارایی لازم را نداشته است. این روند چنانکه اشاره شد از پیش از انقلاب آغاز و پس از آن تشدید شد. به گونه‌ای که سهم اسکان غیررسمی و سکونت در حاشیه‌های کلانشهر تهران که در سال ۱۳۵۵ حدود پنج درصد برآورد شده بود، در سال ۱۳۷۵ به ۱۹ درصد بالغ شد (خاتم ۱۳۸۲:۱۴۲) بررسی ساختار قشریندی اجتماعی جمعیت تهران و مناطق پیرامون آن به خوبی رانش گروه‌های کم‌درآمد به حاشیه و تمرکز فقر در پیرامون تهران را در سال ۱۳۸۵ در نقشه‌های ذیل می‌توان مشاهده کرد.



تصویر شماره ۵: تراکم جمعیت در پیرامون شهر تهران (۱۳۸۵)
ماخذ اطلس کلانشهر تهران



تصویر شماره ۶: پهنه‌های با بیشترین گرایش کم‌درآمدها در دهستان‌های پیرامون شهر تهران (۱۳۸۵)
ماخذ اطلس کلانشهر تهران

تمرکز فقر در نقشه‌های فوق به وضوح قابل مشاهده است. حاصل این وضعیت را در ارزیابی شهروندان تهرانی در سال ۱۳۸۹ می‌توان ردیابی کرد. نگرانی از سرقت، توزیع مواد مخدر، بیکاری و اعتیاد و ناامنی مهمترین دغدغه‌های اظهارشده از سوی شهروندان تهرانی در این سال می‌باشد (گودرزی، ۱۳۸۹). همچنین بر اساس ارزیابی‌های شهرداری تهران مهمترین مسائل و آسیب‌های اجتماعی شایع در حاشیه‌های تهران اعتیاد و توزیع مواد مخدر، کودکان کار و خیابان، زنان آسیب‌دیده، تکدی‌گری و خشونت خانوادگی بوده است (گزارش اسکان غیررسمی ۱۳۸۵) که به ابعاد هریک از این موارد به تفکیک اشاره می‌شود.

حریم تهران، وضعیت‌های بحرانی شده

از مجموعه معضلات حریم تهران تقریباً تمامی موضوعات به مرحله‌ای بحرانی رسیده است که بی‌توجهی به آن مخاطرات جدی و در افق زمانی کوتاه مدتی را در کلانشهر تهران در پی داشته یا خواهد داشت. بررسی وضعیت پاتولوژیک هر یک از آسیب‌های اجتماعی به تفکیک صورت‌های بحرانی را به خوبی آشکار می‌سازد.

روسپیگری

بر اساس گزارش وضعیت اجتماعی ایران در سال‌های ۸۰ تا ۸۷ روسپیگری در کلانشهرها در بین جمعیت تهیدست شهری و مهاجر رواج بیشتری دارد. بیشتر روسپی‌ها موارد تجاوز و خشونت هنگام کار گزارش داده‌اند (رحمان، ۱۳۹۰: ۳۷۳). در این زمینه اطلاعات حاصل از پژوهش مدنی و دیگران (۱۳۸۶) نشان می‌دهد که ۶/۴۵ درصد از زنان تن‌فروش شهر تهران در این شهر متولد شده و بقیه در شهرهایی غیر از تهران (حدود ۵۵ درصد) این یافته‌ها با نتایج مطالعه شرافتی‌پور (۱۳۸۴) و پژوهش و روایی (۱۳۸۴) تقریباً مشابه است (رحمان، ۱۳۹۰: ۳۶۵)

در پژوهش دکتر رقیه یهاری کمترین سن روسپی‌گری ۱۴ سال است. به اعتقاد وی اولین تجربه جنسی نامشروع، اثرات مهمی بر گرایش روسپیان به این حرفه فراهم نموده است. از میان زنان مورد مطالعه ۸۹ درصد آنان هیچ حرفه‌ای نداشتند و سایرین به منشی‌گری، آرایشگری و مشاغلی از این دست، مشغول بودند. همسران اغلب روسپی‌های متاهل، از طبقه کارگر بوده‌اند و ۸۴ درصد این زنان تحصیلات زیر دیپلم داشتند. عدم تحصیل والدین، ترک تحصیل دختران، وجود خشونت در خانواده، عدم مهر و محبت و امنیت در خانواده از جمله عواملی است که به فرار دختران و روسپی شدن آنان می‌انجامد. وی در خاتمه گزارش خود می‌گوید: «لازم است تا به اهمیت و نقش نهادها و گروه‌های گوناگون که مسئولیت مراقبت اجتماعی افراد را برعهده

دارند توجه شود و نیازهای گوناگون افراد از نیازهای اولیه گرفته تا نیازهای ثانویه اعم از تامین نیازهای معیشتی، آموزشی، تربیتی، بهداشتی افراد پرداخته شود (بهاری، انجمن جامعه‌شناسی، ۱۳۹۲).

بیکاری

در استان تهران نرخ بیکاری در تابستان ۱۳۹۴، ۹/۲ درصد بوده در حالی که در فصل مشابه سال قبل حدود ۵/۱ درصد بوده است. این در حالی است که افزایش ۴/۱ درصدی نرخ بیکاری در استان تهران در کنار افزایش ۳/۱ درصدی نرخ مشارکت نشان‌دهنده ناتوانی بازار کار در پاسخ‌دهی به نیاز متقاضیان کار بوده است (مرکز آمار - ۱۳۹۴). نکته حائز توجه و اهمیت در این موضوع توزیع نامتوازن نرخ بیکاری در استان است. مطابق آخرین گزارش مرکز آمار در سال ۱۳۸۸ در حالی که نرخ بیکاری شهر تهران ۱۰،۲ درصد بوده است. این نرخ در سایر شهرستان‌ها بسیار بیشتر ارزیابی شده است. از جمله نرخ بیکاری در ورامین، ۱۲،۲ درصد و بالاترین نرخ بیکاری در شهرستان‌های استان مربوط به شهرستان نظرآباد با ۱۶،۴ درصد بوده. شهرستان فیروزکوه ۱۴،۹ درصد، شهرستان‌های اسلامشهر و ساوجبلاغ هر کدام دارای ۱۳،۶ و ۱۳،۸ درصد بوده‌اند. بعد از آن شهریار دارای ۱۳،۳ درصد، رباط کریم ۱۰،۳ درصد و همچنین کمترین نرخ بیکاری در استان تهران، مربوط به شهرستان شمیرانات با ۶،۳ درصد بود (دنیای اقتصاد، ۱۳۸۹).

کودکان کار و خیابان

طبق آمار ارائه شده سال ۸۵ توسط مرکز آمار ایران یک میلیون و ۷۰۰ هزار کودک به صورت مستقیم در ایران درگیر کار هستند. همچنین ۹۱۵ هزار کودک نیز به عنوان کودک خانه‌دار به ثبت رسیده است. کودکان خیابان شبانه‌روز در بیرون هستند و طبق آمار موجود ۹۹ درصد این کودکان بزهکار می‌شوند. ۳۰ درصد کودکان کار دارای والدین با سابقه محکومیت هستند و ۴۰ درصد نیز دارای والدین بی‌سواد یا کم‌سواد هستند. ۲۲ درصد کودکان کار مورد اغفال قرار گرفته‌اند و هر کودک خیابانی دست کم یک تا دو سال در خیابان به سر می‌برد. درآمد ماهیانه هر کودک کار در ایران بین ۸۰ تا ۱۰۰ هزار تومان در نوسان است. نکته قابل تاسف و پرسش برانگیز آنکه آمار بهزیستی در سال ۸۹ نیز نشان می‌دهد که تنها ۶ هزار کودک خیابانی ساماندهی شده است (دانشور، عصر ایران، ۱۳۹۲) ارزیابی‌های انجام شده در مورد علل کار کودکان خیابانی در شهر تهران در سال ۱۳۹۱ به این قرار است؛

کمک به معاش خانواده	۷۵/۳٪
تأمین مالی شخصی	۳۳/۳٪
تأمین هزینه تحصیل	۸/۶٪
شرایط نامطلوب محیط	۱۳/۲٪
بی‌سرپرستی	۸/۶٪
اجبار خانواده	۱۰/۳٪

خطرهای کار و زندگی در خیابان برای کودکان کار فهرستی از انواع مخاطرات جسمی و روانی است که تصادف با ماشین، آزار جنسی، دستگیر شدن، گم شدن، دزدیده شدن، باردار شدن، اهانت و کتک خوردن از مردم و مأمورین شهرداری و پلیس و هم‌سالان، گرسنه ماندن، تحمل سرما و گرما، نداشتن جای خواب، خفت شدن، بیماری و ... را شام (وامقی، ۱۳۹۴: ۴۹-۴۶) فاطمه دانشور رئیس کمیته اجتماعی شورای شهر تهران آمار سال ۸۹ کودکان کار در خیابان تهران را ۱۳ هزار و رو به افزایش اعلام کرد که بیشترین آمار مربوط به مناطق جنوبی شهر تهران است. (روزنامه مردم‌سالاری، ۱۳۹۳: ۸) این در حالی است که مدیرکل آموزش و پرورش تهران آمار کودکان کار در سن تحصیل را ۲۵ هزار نفر در سال ۱۳۹۴ اعلام کرده است (چهاربند، ایلنا، ۹۴) که رشد شتابان افزایش کودکان کار فاقد تحصیلات در سال‌های اخیر را نشان می‌دهد. از سوی دیگر، این کودکان با انواع مخاطرات محیطی روبه‌رو هستند از جمله بر اساس گزارش معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی ۲۱ درصد کودکان خیابانی تهران رابطه جنسی داشته‌اند که ۱۱/۳ درصد با هم‌جنس و ۲۴/۱ درصد با هر دو جنس و مابقی با جنس مخالف بوده است و این درحالی است که میانگین تجربه جنسی در دختران به ۱۲/۵ سال و پسران به ۱۳/۷ سال رسیده است (غفاری، ایسنا، ۹۴).

وضعیت تغذیه خانواده‌های تهرانی

براساس پژوهش انجام شده در سال ۱۳۸۷ در مورد وضعیت تغذیه خانواده‌های مناطق ۲۲ گانه تهران به طور کلی مناطق ۲، ۳، ۴، ۶ و ۲۲ مناطقی هستند که فعلاً دارای مشکلات تهدیدکننده سلامتی تغذیه‌ای در مقایسه با سایر مناطق نیستند. در بین سایر مناطق شهر تهران به نظر می‌رسد که مناطق ۱۰ تا ۲۱ با در نظر گرفتن همه جهت‌ها در اولویت اقدامات مداخله‌ای تغذیه‌ای قرار گیرند (کلاتتری، کنفرانس سلامت، ۱۳۸۹).

خشونت خانگى

نسبت زنان درگير در خشونت خانگى، نسبت به كل پاسخگويان شهر تهران برابر ۷۰/۱٪ است. در حالى كه آمار در سطح ملى ۶۶/۲۰ درصد است. اين تفاوت معنى دار نشان مى دهد كه نسبت افراد درگير در خشونت خانگى در شهر تهران به شكل معنى دار از نرم كلى بالاتر است (محمود قاضى طباطبايى، مركز امور زنان، ۱۳۸۳).

استقلال مالى زنان، ميزان تحصيلات يا اشتغال آنان سبب کاهش مستقيم خشونت خانگى مى شود. علاوه بر اين بر اساس نظريه يادگيرى اجتماعى مشاهده خشونت در درون خانواده در بروز و ميزان خشونت عليه زنان رابطه مستقيم دارد. يافته هاى اين پژوهش ميزان درآمد ماهانه و به بيان ديگر، پايين بودن ميزان درآمد را دومين عامل پيش بينى كننده خشونت در ميان ساير عوامل ارزشيابى كرده است (اعظم، ۱۳۸۵، ۱۷۷). كه اين موضوع در عمل در حاشيه تهران شيوع دارد.

فقر

خط فقر در شهر تهران در سال ۱۳۹۳ برآى خانوار پنج نفره حدود دو ميليون و ۳۰۰ هزار تومان است. يعنى يك خانوار پنج نفره در تهران با هزينه مسكن، خدمات، سلامت، آموزش، تغذيه، حمل و نقل، ارتباطات و ساير كالاهاى ضرورى بايد اين ميزان درآمد داشته باشد. براساس محاسبه مشابه در سطح كشور برآى مناطق مختلف اين رقم در كل كشور يك ميليون و ۵۰۰ هزار تومان محاسبه مى شود (راغفر، ۱۳۹۳: ۸) افرادى كه در حاشيه هاى كلانشهر تهران و در مساكن غيررسمى زندگى مى كنند در طبقه اى دسته بندى مى شوند كه از آن به مادون طبقه^۱ نامبرده مى شود. ويژگى اعضاى مادون طبقه رشد در فضاهاى آلوده به جرم و جنايت، زندگى در فضاهاى كه از زيرساخت هاى شهري محروم است و جوانان آن به دليل درگيرى با مطالبات ناسالم درونى در چرخه تشديدشونده فحشا و جرايم قرار دارند (راغفر، ۱۳۹۳: ۸)

وضعيت مسكن

برآى روشن تر شدن ابعاد شكاف طبقاتى در تهران بزرگ قيمت هر مترمربع زمين يا آپارتمان در سال ۱۳۹۱ مى تواند شاخص قابل قبولى باشد. بر اساس گزارش شادا (نشريه رسمى وزارت امور اقتصاد و داراى) تفاوت يك متر زمين در ميان مناطق ۲۲ گانه تهران در گران ترين منطقه نسبت به ارزان ترين منطقه ۴۱ برابر ارزشيابى شده است. منطقه ۲ با حدود ۲۲ ميليون تومان و منطقه ۱۵ شهر تهران با ۵۲۰ هزار تومان گران ترين و ارزان ترين نقاط را به خود اختصاص

داده‌اند (همشهری آنلاین، ۱۳۹۲). بررسی‌های جدید در سال ۱۳۹۵ با وجود رکود مسکن در تهران بیانگر افزایش قیمت در منطقه ۱ و ۲ تهران نسبت به سال ۱۳۹۱ می‌باشد. محدوده میانگین قیمت در این مناطق از ۲۵ میلیون تومان آغاز و گرانترین واحد مسکونی معروف به کاخ ورسای متری با متری ۴۶ میلیون تومان با مساحت ۱۸۰۰ متر مربع گرانترین واحد شناسایی شده است که عکس‌های آن در محیط مجازی بیانگر وسعت تجملات آن می‌باشد. در جدول زیر فهرست برخی از محلات و ساختمان‌های مشهور و قیمت هر متر مربع و کل آپارتمان آورده شده است (عصر ایران، ۱۳۹۳).

جدول شماره ۲: قیمت بالای مسکن در مناطق مرفه‌نشین شهر تهران^۱

قیمت کل (تومان)	قیمت هر متر مربع (تومان)	محل
۳۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۴۶,۶۰۰,۰۰۰	فرمانیه-کاخ ورسای
۱۵,۰۳۰,۰۰۰,۰۰۰	۳۰,۰۰۰,۰۰۰	زعفرانیه-مجتمع باغستان
۱۱,۴۱۰,۰۰۰,۰۰۰	۳۵,۰۰۰,۰۰۰	زعفرانیه-راضی ۴
۲۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۳۵,۰۰۰,۰۰۰	فرشته-آقابزرگی
۳,۸۴۰,۰۰۰,۰۰۰	۳۲,۰۰۰,۰۰۰	سعادت آباد سرو
۱۳,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۳۰,۰۰۰,۰۰۰	ولنجک بالاتر از خ ۱۳
۲۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۳۵,۰۰۰,۰۰۰	کامرانیه-روما رزیدنس
۵۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۴۰,۰۰۰,۰۰۰	کامرانیه-روما رزیدنس
۲۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۳۰,۰۰۰,۰۰۰	ولنجک
۳۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۴۰,۰۰۰,۰۰۰	محمودیه

در برابر این ارقام نجومی در قرچک یک واحد ۴۰ تا ۵۰ متری را می‌توان با ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومان خریداری کرد.

جدول ذیل تفاوت قیمت زمین در شهرستان‌های اطراف تهران را نشان می‌دهد. فاصله درآمدی و شکاف طبقاتی تهران را در مقایسه دو جدول می‌توان ارزیابی کرد.

1- <http://www.asriran.com/fa/news/380493>

جدول شماره ۳: قیمت پایین مسکن در مناطق فقیرنشین شهر تهران^۱

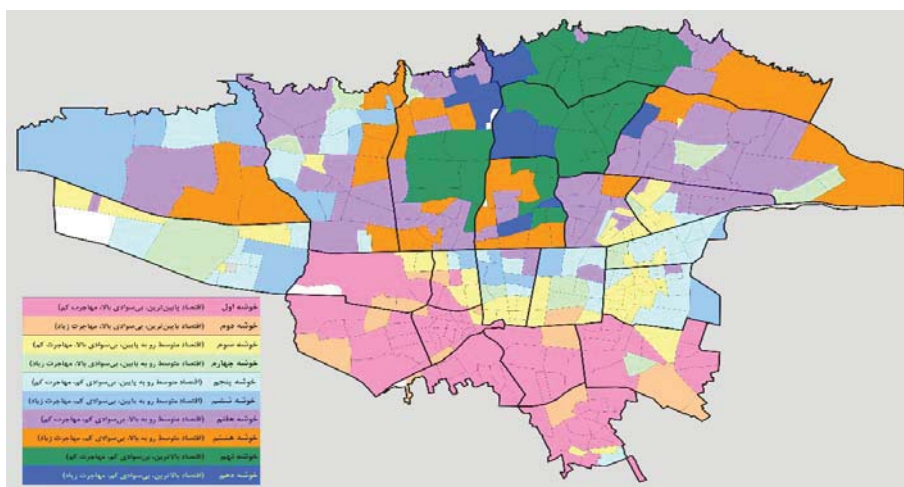
نام منطقه	قیمت میانگین هر متر زمین
اسلامشهر	بین ۶۰۰ تا ۷۵۰ هزار تومان
پاکدشت	بین ۴۰۰ تا ۱ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان
پرند	بین ۶۰۰ تا ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان
جاده قدیم کرج	۸۰۰ هزار تومان
جاده مخصوص کرج	۹۴۰ هزار تومان
رباط کریم	بین ۵۵۰ تا ۹۰۰ هزار تومان
شهریار	بین ۵۰۰ تا ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان
قلعه حسن خان	بین ۷۰۰ تا ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان
ورامین	بین ۶۰۰ هزار تا ۱ میلیون تومان

مواد مخدر، سرقت، جرائم سازمان یافته

بنا به روایت‌های غیررسمی ۸۰ تن مواد مخدر سالانه در تهران مصرف می‌شود. همین روایت تعداد معتادان تهرانی را ۲۲۰ هزار نفر ارزیابی می‌کند که حدود یک ششم معتادان کشور است. محمدرضا آذرنیا، دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان تهران، به دستگیری ۶۲/۵۰۰ خرده‌فروش در سال ۹۴ و کشف ۲۷ تن مواد مخدر در سطح استان در این سال اشاره کرده است. او وظیفه ستاد را جمع‌آوری کارتن‌خواب‌های معتاد از سطح شهر تهران می‌داند و حاشیه شهر را خارج از تهران و اراده ستاد اعلام می‌کند. وظیفه اصلی بهبود چهره شهر تهران است (سام گیسو، ۱۳۹۵: ۸).

بازار بزرگ مواد مخدر تهران از جمله وضعیت‌های بحرانی است که در حریم تهران سازماندهی می‌شود. بنا به اظهار رئیس پلیس تهران در ۱۱ ماه سال ۱۳۹۳ شناسایی و دستگیری یک هزار و ۴۵ باند سرقت و ۶۱ مورد سرقت مسلحانه، کشف و ضبط ۱۴ تن انواع مواد مخدر و شناسایی و متلاشی کردن ۷۱ باند تهیه و توزیع مواد مخدر صورت گرفته است (ساجدی‌نیا، ۱۳۹۳). باید یادآور شد درباره موضوع مواد مخدر در تهران یک نتیجه‌گیری متناقض نسبت به سایر مناطق کشور وجود دارد. از یک سو، کشفیات در مقایسه با جمعیت از رقم پائین‌تر و از سوی دیگر، نسبت قاچاقچیان دستگیر شده به جمعیت از رقم بالاتری برخوردار است. این واقعیت نشان می‌دهد که تهران عمدتاً مقصدی برای مصرف و نه توزیع مجدد است.

عرضه موادمخدر تهران از مسیرهای کویر مرکزی، مسیر شمالی خراسان در امتداد منطقه شمالی کشور و بعضی مواقع از مرز جنوب شرقی و مناطق جنوبی و شمالی صورت می‌گیرد. بخش عمده عرضه مواد مخدر در تهران به طور مستقیم از مرزها به محل‌های انباشت موادمخدر منتقل می‌شود. مصرف مواد مخدر در ایران (تقاضا) تحت تاثیر عوامل انسانی نظیر بیکاری، فقر و شرایط اجتماعی از جمله تبعیض و نبود امکانات برای پرکردن اوقات فراغت قرار دارد. در تهران این عوامل تاثیر چشمگیری دارند (رئیس‌دانا، ۱۳۸۲: ۴۱-۲۰).



تصویر شماره ۷: موزائیک فرهنگی تهران (وضعیت موجود)

به مجموعه مسائل پیش گفته درباره تهرانو حریم آن باید موضوع جدیدی را افزود و آن تغییر ساختار اجتماعی و فرهنگی تهران هم از نظر سازمان فضایی و هم از منظر درونمایه‌های تحول است. براساس گزارش منتشرنشده محسن گودرزی از پیمایش «ارزش‌ها و نگرش‌های شهروندان تهرانی» در سال ۱۳۸۹ به سفارش شهرداری تهران که مسئولیت اجرایی آن بر عهده نگارنده بوده تصور از تهران باید تغییر یابد. تهران سه‌قطبی یعنی شمال مرفه، غیرمذهبی و مدرن در برابر جنوب فقیر، سنتی و مذهبی و میانه شهری متعلق به طبقه متوسط به موزائیکی متداخل تبدیل شده است که در نقشه بعدی و در قالب ۱۰ خوشه مشاهده می‌شود. این نقشه که متکی بر پژوهش عباس عبدی و بر اساس شاخصی ترکیبی تنظیم شده، گویای وضعیت بسیار پیچیده تهران امروز است که تعامل آن با حریم خود را پیچیده‌تر هم می‌سازد. یافته‌های گودرزی از جنبه‌های بسیار متعددی قابل توجه، هشداردهنده و بسیار بدیع است که با توجه به موضوع مقاله به برخی از آنها اشاره می‌شود.

افزایش شکاف‌ها در درون کلانشهر

ساکنان محلات پایین بیشتر از دیگر محلات با مشکلات اقتصادی و اعتیاد مواجه‌اند. ۷۳ درصد پاسخگویان محلات پایین «اعتیاد» را مشکل حاد محله خود ذکر کرده‌اند. این نسبت در بین ساکنان محلات بالا ۱۸ درصد است. ۶۸ درصد ساکنان محلات پایین، «بیکاری» را مشکل حاد محله‌شان ذکر کرده‌اند. این نسبت در محلات بالا ۲۰ درصد است.

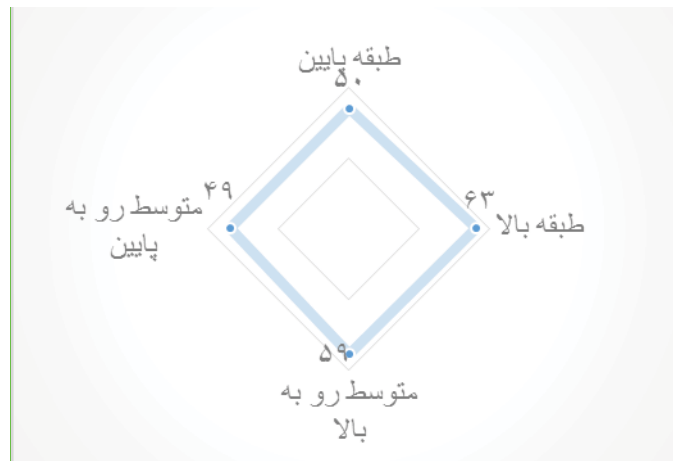
تبدیل طبقه اقتصادی به فرهنگی

۷۴ درصد پاسخگویان ساکنان محله خود را متعلق به طبقات متوسط می‌دانند. ۲۰ درصد نیز ساکنان محله خود را متعلق به طبقات پایین می‌دانند. این یافته بیانگر تغییر مفهوم طبقه در کلانشهر تهران و شهروندان آن است.

اهمیت یافتن کیفیت زندگی

یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهند، پاسخگویان میزان امکانات و دسترسی‌های شهری را خوب دانسته‌اند. اما در مورد امکاناتی که به کیفیت زندگی شهر مانند پاکیزگی، فضای سبز، روشنایی، امکانات فراغتی، زمین بازی کودکان و... مربوط می‌شود، احساس کمبود وجود دارد.

نگرش نسبت به آینده: بیش از نیمی از پاسخگویان معتقدند که وضعیت تهران نسبت به گذشته بدتر شده است (۵۳ درصد). ۲۸ درصد هم معتقدند وضعیت تهران نسبت به پنج سال گذشته بهتر شده است. ساکنان محلات پایین ارزیابی مثبت‌تری از تغییرات شهر تهران دارند. ۳۲ درصد ساکنان محلات پایین و متوسط رو به پایین معتقدند وضعیت تهران نسبت به گذشته بهتر شده است. در حالی که ۱۴ درصد ساکنان محلات بالا چنین ارزیابی مثبتی از روند تغییر تهران دارند ۵۴ درصد پاسخگویان معتقدند وضعیت تهران در آینده بدتر می‌شود. ۳۱ درصد هم انتظار دارند وضعیت تهران در پنج سال آینده بهتر شود. ساکنان محلات بالا وضعیت بدتری را برای شهر تهران انتظار دارند. ۶۳ درصد پاسخگویان محلات بالا وضعیت تهران را در پنج سال آینده بدتر از وضعیت کنونی ارزیابی می‌کنند. ۵۰ درصد پاسخگویان محلات پایین و متوسط رو به پایین چنین نظری دارند.



وضعیت آینده

از دید اکثریت پاسخگویان، آینده اجتماعی و اخلاقی تهران تیره و سیاه است. ۶۷ درصد بر این تصورند که نسبت به گذشته جرم و جنایت افزایش یافته است. ۶۶ درصد نیز انتظار دارند روند افزایش جرم و جنایت در پنج سال آینده تداوم یابد. ۶۸ درصد پاسخگویان انتظار دارند فضای اخلاقی جامعه هم‌چنان بدتر شود. احساس زوال اجتماعی در بین ساکنان محلات بالا بیشتر است. ۷۷ درصد پاسخگویان محلات بالا معتقدند جرم و جنایت نسبت به گذشته بیشتر شده است. این نسبت در بین ساکنان محلات پایین ۶۰ درصد است. باید توجه داشت که ساکنان تمام محلات بر این تصورند که جرم و جنایت نسبت به گذشته افزایش یافته ولی این نسبت در بین محلات بالا بیشتر است. هم‌چنین آینده وضعیت اجتماعی در بین ساکنان محلات بالا تیره‌تر است. ۷۶ درصد پاسخگویان این محلات و ۷۲ درصد ساکنان محلات متوسط رو به بالا انتظار دارند زوال اجتماعی در آینده هم‌چنان تداوم یابد. این نسبت در بین محلات پایین ۵۸ درصد است.

مجموع این یافته‌ها تصورات افراد را از زوال ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی و مذهبی نشان می‌دهد. احساس زوال اخلاقی در بین ساکنان محلات مختلف تقریباً به یک اندازه است و از این نظر تفاوتی بین آنان دیده نمی‌شود (گودرزی، ۱۳۸۹).

یافته‌های گودرزی از این‌رو حائز اهمیتی دو چندان است که تغییرات نگرشی شهروندان تهرانی شاید با نظام ارزشی و نگرشی حریم فاصله‌ای بیشتر گرفته باشد. چنانکه در دیدگاه نظری بدان اشاره شد و دیگر آنکه در حالیکه بخش عمده حریم تهران درگیر کمیت زندگی هستند، مسئله

شهروندان تهران کیفیت زندگی است. علاوه بر این، بخشی از احساس ناامنی و ترس از آینده را باید در رابطه با حریم و مسائل آن جستجو کرد.

تداوم اشتباهات و چالش‌های محتمل

هجوم حاشیه به متن در ایران سابقه‌ای تاریخی دارد. اما در ارتباط با موضوع مقاله اشاره به چند مورد و توجه دادن به نگرش فعلی در مدیریت شهری ضروری می‌نماید. چنانکه اشاره شد تهران تجربه جنبش تهیدستان را [به تعبیر آصف بیات] در سال ۱۳۵۷ از سر گذارنده است. بیات در توضیح در این تجربه، به اشغال بخش‌هایی از تهران و مصادره بسیاری از ساختمان‌ها توسط حاشیه‌نشینان اشاره شده است.

در سال‌های پس از انقلاب نیز شورش‌های شهری مشهد و اسلامشهر طنین خاص خود را در زمان وقوع داشته‌اند. مروری کوتاه بر یکی از این شورش‌ها به فهم بهتر زمینه‌های تعارض حریم به متن کمک می‌کند. در نهم خرداد ۱۳۷۱، ماموران شهرداری مشهد، خانه‌های مسکونی غیرمجاز در کوی طلاب مشهد را تخریب کردند. این مامورین در پی ممانعت ساکنین منازل با آنها درگیر شدند که منجر به تیراندازی و زخمی شدن یک دانش‌آموز شد. این نقطه آغاز آشوبی بود که منجر به تصرف دو کلانتری و آتش زدن بانک‌ها و ساختمان‌های دولتی در مشهد شد. این وضعیت تا پاسی از شب ادامه داشت و در انتها نیروهای انتظامی و امنیتی توانستند کنترل شهر را به دست بگیرند. دادگاه انقلاب مشهد چهار تن از عوامل این ماجرا را به اعدام محکوم کرد. هاشمی رفسنجانی (رئیس جمهور وقت) در کتاب خاطرات سال ۱۳۷۱ درباره این ماجرا می‌نویسد: «در خصوص برخورد با عوامل آشوب و شرارت که در شیراز و اراک و دیروز در مشهد اتفاق افتاده، تاکید شد. با استاندار خراسان، تلفنی مذاکره کردم. به دفترم آمدم. اوضاع مشهد را پرسیدم. گفتند دیشب شرارت تا ساعت یک‌ونیم بعد از نیمه شب ادامه داشته و با دخالت سپاه تمام شده و جمعی را بازداشت کرده‌اند. خرابی‌های زیادی بار آورده‌اند. در جلسه هیأت دولت، وقت زیادی صرف مسأله مشهد و کیفیت برخورد با آن به منظور جلوگیری از تکرار این گونه حوادث مذاکره شد» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۴: ۱۵۴).

این تجربه منحصر به ایران یا کشورهای مشابه نیست قواعد رفتارهای اجتماعی در همه جا یکسان است. در نوامبر و اکتبر ۲۰۰۵ شورش حاشیه پاریس هفته‌ها کشور را به خود مشغول کرد. آنجا نیز، برخی از علل و شرایط این اعتراضات در سال‌ها قبل ریشه و در فرانسه وجود داشته است. تظاهرکنندگان به دلیل احساس فشار ناشی از این شرایط، از شرکت در ناآرامی به عنوان تاکتیک تغییر شرایط استفاده کردند که این علل زمینه‌ای نامیده شده‌اند و در تداوم ناآرامی‌ها مؤثر بوده و به ترتیب اولویت عبارتند از محرومیت اقتصادی و بیکاری مضاعف در میان

جمعیت عرب-آفریقایی تبار فرانسه؛ تبعیض و نابرابری علیه مهاجران عرب - آفریقایی تبار فرانسه؛ بحران هویت نوجوانان مهاجر عرب - آفریقایی تبار؛ برنامه‌های کاهش یارانه‌های اختصاصی در مناطق مهاجرنشین فرانسه؛ سیاست‌های آموزشی در مناطق مهاجرنشین فرانسه و ناکامی تحصیلی متأثر از آن در بین نوجوانان مهاجر (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۹).

این حوادث ناشی از عدم درک شرایط حریم شهرها و بی‌توجهی به اساسی‌ترین نیازهای آنان بوده است. متأسفانه آنچه امروز در ایران شاهدیم تداوم و اصرار بر ادامه روش‌های خطای گذشته است. گزارش‌های متعدد در مورد حاشیه‌نشینیان مشهد بیانگر نیاموختن درس از تجربه سال ۱۳۷۱ است. در تهران نیز شهرداری برای حل مشکل حریم تهران اقدام به تأسیس مدیریت حریم تهران کرده است که البته کاری پسندیده و ضروری است. اما بررسی اجمالی دیدگاه‌های حاکم بر این مدیریت نشان از سیاست آزمودن آموزه‌های پیشین است. مدیرکل سازمان مدیریت حریم پایتخت وظیفه خود را چنین ترسیم کرده است. دامنه مسوولیت شهرداری تهران بابت حفاظت، کنترل و مراقبت از عرصه‌های اطراف شهر، به کل محدوده ۶ هزار کیلومتری حریم پایتخت سرایت پیدا می‌کند. در حال حاضر، فقط ۱۲۰۰ کیلومتر از حریم تهران، تحت اختیار و نظارت مستقیم شهرداری تهران است و تکه دوم و عظیم محدوده حریم عملاً توسط فرمانداری‌ها، بخشدارهایها و دهیاری‌های واقع در حریم، اداره می‌شود. آن‌طور که مطالعات مقدماتی طرح راهبردی حریم تهران نشان می‌دهد، در طول سال‌های گذشته، تکه دوم حریم پایتخت که چهارپنجم کل این محدوده را به خود اختصاص داده، به جای آنکه در مقابل هر نوع ساخت و ساز حفاظت شود، به عنوان عرصه‌ای برای افزایش بارگذاری‌های ساختمانی و جمعیتی استفاده شده است. در مناطق مسکونی واقع در حریم تهران، هم‌اکنون بیش از دو میلیون نفر جمعیت ساکن هستند که در صورت ادامه توسعه سکونتی حریم، این جمعیت به مرز سه میلیون نفر خواهد رسید.

مدیرکل محترم حریم که علی‌الاصول دیدگاه‌های کلان مدیریت شهری را انعکاس می‌دهند، معتقد است: «تشکیل گارد حریم یکی از ملزومات ایجاد مدیریت یکپارچه در حریم شهر تهران است». او می‌گوید: «باید یک نیروی قهریه برای برخورد و جلوگیری از ساخت‌وسازهای غیرمجاز در حریم شهر تهران تشکیل شود؛ چندین نقطه منفصل جمعیتی همچون صالح‌آباد غربی، شهرک گلستان، مسگرآباد و... یعنی نقاطی که تاکنون شکل گرفته است حفظ می‌شود، بدون آنکه طرح توسعه‌ای برای آنها پیش‌بینی شده باشد. به عبارت دیگر، پس از این در محدوده حریم پایتخت مرکز سکونتگاهی جدید ایجاد نمی‌شود. ۲۵ پروژه در حال پیگیری است. از جمله طرح کمربند سبز شهر تهران با هدف کاهش آلودگی هوا و جلوگیری از توسعه محدوده شهر به سمت حریم پایتخت...» (خانلری، ۱۳۹۳).

چنین نگرشی به معنی افزودن سیاست‌های خشن در برابر ساکنان حریم تهران در کنار سیاست‌های قبلی از جمله نادیده گرفتن نیازهای حدود سه میلیون نفر از ساکنان محدوده ۶ هزار کیلومتری تهران است.

جمع‌بندی و تحلیل نهایی

حریم تهران کل یکپارچه‌ای از کلانشهر تهران است. توزیع عادلانه امکانات و خدمات و برخورداری از حداقل استانداردهای زندگی شرافتمندانه نظیر داشتن شغل، آموزش و بهداشت علاوه بر کاهش آسیب‌ها و ایجاد تعادل فضایی در دراز مدت، در کاهش فشارهای روانی و افزایش امنیت و احساس امنیت شهروندان تاثیر مستقیم و کوتاه مدت دارد.

مدیریت آسیب‌های اجتماعی روزافزون تهران نیازمند به رسمیت شناختن طیف گسترده‌ای از سازمان‌های مردم‌نهاد، توانمندسازی هسته‌های مداخله‌گر مردمی، مشارکت گسترده و همه‌جانبه شهروندان و این نهادهاست. به عبارت دیگر، بخش قابل توجهی از مسائل ساکنان حریم تهران باید در همان حوزه مدیریت و کنترل شود.

اتخاذ روش‌های قهرآمیز و کنترل فیزیکی حریم و طرح‌های شکست‌خورده‌ای مانند گارد حریم تهران بیانگر نیاموختن درس‌های گذشته و در نتیجه تشدید رویارویی است که ساکنان محروم از حیات مادی و معنوی حاشیه‌نشینان را به سوی رفتارهای متقابل و قهرآمیز هدایت خواهد کرد.

یافته‌های اخیر حاکی از نادرست بودن تقسیم‌بندی‌های مرسوم بر اساس وضعیت اقتصادی و تقسیم تهران به سه منطقه مرفه، متوسط و فقیر از شمال به جنوب است. کلانشهر تهران موزائیکی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است که بر عدم تعادل پیچیده‌تر فضایی اشاره دارد. در این ساختار فضایی طبقه مفهومی فرهنگی-اجتماعی چنانکه یافته‌ها حاکی از ارزیابی بیش از ۷۰ درصد ساکنین تهران از تعلق خود به طبقه متوسط دارد. لذا با تشدید شکاف طبقاتی با احساس فقر نسبی بیشتری روبه‌رو خواهیم بود. این وضعیت به معنی نارضایتی بیشتر در طبقات اقتصادی سقوط کرده به طبقه پایین به دلیل توقف در طبقه فرهنگی از سوی آنان است.

وضعیت اجتماعی و فرهنگی حریم تهران و عمق شکاف‌ها، فاصله طبقاتی، تفاوت سبک زندگی و شرایط ساکنین حریم تهران و شهروندان پایتخت بیانگر نابرابری فضایی شدید در این کلانشهر است. فقر نسبی میان طبقه متوسط شهروندان تهرانی و فقر مزمن در حاشیه‌های وسیع تهران که در شبکه شهری تهران مشاهده می‌شود به نظر می‌رسد بر قواعدی چند استوار باشد؛

- تولید و توزیع فضا در نظام‌هایی که مبتنی بر جدایی‌گزینی فضایی هستند، ضمن نهادینه کردن فقر از شهر و الگوهای طبقات فرودست را از طریق جامعه‌پذیری درونی به نسل‌های بعد انتقال داده که این موضوع علاوه بر تشدید نابرابری متن و پیرامون ممکن است تعارضات میان این مجموعه را در اشکال خشونت‌آمیز بروز دهد.

- بی‌تردید مهاجرت یکی از مهم‌ترین عوامل رشد حریم تهران و وسعت‌یابی حوزه نفوذ کلانشهر در ادوار مختلف بوده، این پدیده را در تمامی کلانشهرهای کشورهای پیرامونی می‌توان مشاهده کرد. به نظر می‌رسد تا زمان اتخاذ سیاست‌های مناسب برای توقف روند شتابان مهاجرت، توقف نابرابری‌های فضایی دور از انتظار باشد.

- شبکه کلانشهری تهران که با افزایش مهاجرت از اوایل دهه ۴۰ شکل یافته است، در دو دهه اخیر با پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهرهای پیرامونی نقش و تاثیر متقابل بیشتری یافته و عملاً باید سرنوشت مشترک تهران و حریم آن در یک مجموعه نگریست.

- تلاش در جهت ایجاد عدالت فضایی در شبکه کلانشهری تهران، بدون اتخاذ برنامه‌های موثر در توقف مهاجرت نه تنها به بهبود عدالت اجتماعی کمک نخواهد کرد، بلکه احتمال تشدید مهاجرت‌ها را به واسطه تلاش برای زندگی بهتر افزایش خواهد داد.

- چنانکه اشاره شد مهمترین تهدید برای تهران رشد آسیب‌های اجتماعی و ایجاد کانون‌های بحران در حریم تهران است. چرخه فقر، فقدان آموزش، شبکه‌های فساد، رهاشدگی و زوال اجتماعی در شرایطی که نابرابری فضایی این روند را تشدید می‌کند، خطری بالقوه برای پایتخت‌نشینان محسوب می‌شود.

بر اساس مشاهدات و آنچه گفته شد، وضعیت اجتماعی و فرهنگی حریم تهران و عمق شکاف‌ها و فاصله طبقاتی و تفاوت سبک زندگی و شرایط زندگی ساکنین حریم تهران و شهروندان پایتخت‌نگران‌کننده است. تداوم این روند هزینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بسیاری به همراه خواهد داشت که مواجهه با آن نیازمند ایجاد درکی ملی از معضل موجود است. قوانین رفتارهای اجتماعی بر اساس میل، سلیقه یا بی‌اطلاعی ما از واقعیات تغییر نخواهند کرد. کلانشهر تهران یکبار در شرایطی بسیار بسیط و ابتدایی تجربه تقابل با حاشیه خود را داشته و آموذن آموخته‌ها تنها از ذهنیتی غیرعلمی و توسعه نیافته انتظار می‌رود.

از این رو، قبل از هر اقدامی مدیریت شهری تهران نیازمند تغییر نگرش جدی درباره حریم این کلانشهر است تا زمانی که شهرداری تهران تنها در شعار ادعای نهادی اجتماعی دارد و در عمل صرفاً وظایف خدماتی را پی می‌گیرد انتظار از سایر مجموعه‌ها گزافه است. لذا در اجزای این

مجموعه باید تغییر نگرش در مورد مفهوم حریم و درکی اجتماعی و فرهنگی از کلانشهر شکل گیرد تا انتظار تعادل فضایی محقق گردد.

مدیریت شهری یکپارچه و واگذاری کلیه اختیارات و امکانات دولت در بخش‌های آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، بهزیستی، مالیات مشاغل، خدمات زیربنایی (نظیر آب، برق، گاز) حوزه فرهنگ و هنر و ... تبدیل به وضعیت ناگزیر اداره کلانشهر تهران شده است. به دیگر سخن، عدم تحقق مدیریت یکپارچه شهری هر روز هزینه بیشتری بر تهران تحمیل می‌کند.

منابع

- افروغ عماد (۱۳۸۷) *فضا و نابرابری اجتماعی*، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- بواندیا، هراندو گومز (۱۳۸۰) *جرایم شهری*، ترجمه فاطمه گیویان، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول.
- بیات، آصف (۱۳۹۱) *سیاست‌های خیابانی*، جنبش تهیدستان در ایران، ترجمه اسدالله نبوی چاشمی، انتشارات نشر پردیس دانش.
- رهنمایی محمد تقی و زنجانی حبیب‌اله (۱۳۷۷) *در تهران*، پایتخت دویست‌ساله (مجموعه مقالات)، زیر نظر برنار اورکاد و شهریار عدل، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، انجمن ایران‌شناسی فرانسه.
- محمد عثمان (۱۳۷۶) *مدینه اسلامی*، ترجمه علی چراغی، انتشارات امیرکبیر.
- هاشمی رفسنجانی اکبر (۱۳۹۴) *کارنامه و خاطرات سال ۱۳۷۱*: رونق سازندگی به اهتمام حسن لاهوتی، ناشر: معارف انقلاب.
- هاروی دیوید (۱۳۷۶) *عدالت اجتماعی و شهر*، ترجمه فرخ حامیان و دیگران، ناشر شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- پیران، پرویز (۱۳۹۰) *مسکن گروه‌های کم درآمد و اسکان غیررسمی در ایران*، سایت مسکن.
- قنبرلو عبدالله، (۱۳۹۲) «عدالت اقتصادی و امنیت»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره سوم، سال شانزدهم، پاییز.
- برروی، مایکل، (۱۳۸۷) «درباره جامعه‌شناسی مردم مدار»، ترجمه نازنین شاه رکنی، *مجله جامعه شناسی ایران*، دوره هشتم، شماره ۱، بهار.
- شفایی عبدالله (۱۳۸۳) «بازشناسی نهاد حریم»، *فصلنامه فقه پاییز-شماره ۴۱*.
- کمانرودی موسی (۱۳۸۵) *ماهنامه آبادی سال شانزدهم* (جدید)، شماره ۱۶ (پیاپی ۵۱)، تابستان.
- خاتم اعظم (۱۳۸۲) «کارگران غیررسمی و سیاست اجتماعی در بخش مسکن» *فصلنامه تامین اجتماعی*، سال پنجم شماره دوازدهم بهار.
- مروه وامقی و دیگران (۱۳۹۴) «ارزیابی سریع وضعیت کودکان خیابانی در شهر تهران ۱۳۹۲»، *فصلنامه تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۴ شماره ۱، بهار.
- رئیس دانا فریبرز (۱۳۸۲) «بازارموادمخدر در ایران نگاهی ویژه به بازار تهران» *فصلنامه اعتیادپژوهی*، سال اول شماره ۴ پائیز.
- حسینی سید حسین، حیدر هاشمی، محمدحسین الیاسی (۱۳۸۷) «علل شکل‌گیری و گسترش ناآرامیهای شهری فرانسه در اکتبر و نوامبر ۲۰۰۵»، *فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی*، سال سوم، شماره اول، بهار.
- قانع‌راد محمدامین (۱۳۹۱) «چیستی جامعه‌شناس مردم‌مدار»، همایش ملی پژوهش اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران، ۶ دیماه.

مدنی، سعید (۱۳۹۰) در گزارش وضعیت اجتماعی ایران مجموعه مقالات، ناشر موسسه رشد، حمایت و اندیشه (رحمان).

Harvey, David (1942) "Social Justice, Post Modernism and City, International Journal of Urban and Regional Research No 16.

Paul Routledge Introduction: Cities, Justice and Conflict, Urban Studies 2010 47.

Walton, John, (1998) Urban Conflict and Social Movements in Poor Countries, Theory and Evidence of Collective Action International Journal of Urban and Regional Research Volume 22 Issue 3 Septembe.

Bebbington Antony (2007) Social Movements and The Politicization of Chronic Poverty Policy, Development and Change Journal Volume 38 Issue 5 September.

Castree. Noel. David Harvey (2007) Marxism, Capitalism and The Geographical Imagination New Political Economy Volume 12 No 1 March

Camilo Andres Cifuentes Quin and Nicolas Tixier (2012) an Inside look at Bogota Urban Renewal from Broad Urban Stories to Everyday Tales Revista De Arquitectura/ Journal of Architecture Universidad de Los Andes. Colombia.

Bocarejo Juan Pablo and Luis Edurdo Tafur (2013) Urban Land Use Transformation Driven by Innovative Transportation Project, Bogota, Colombia, Global Report on Human sttelments.

